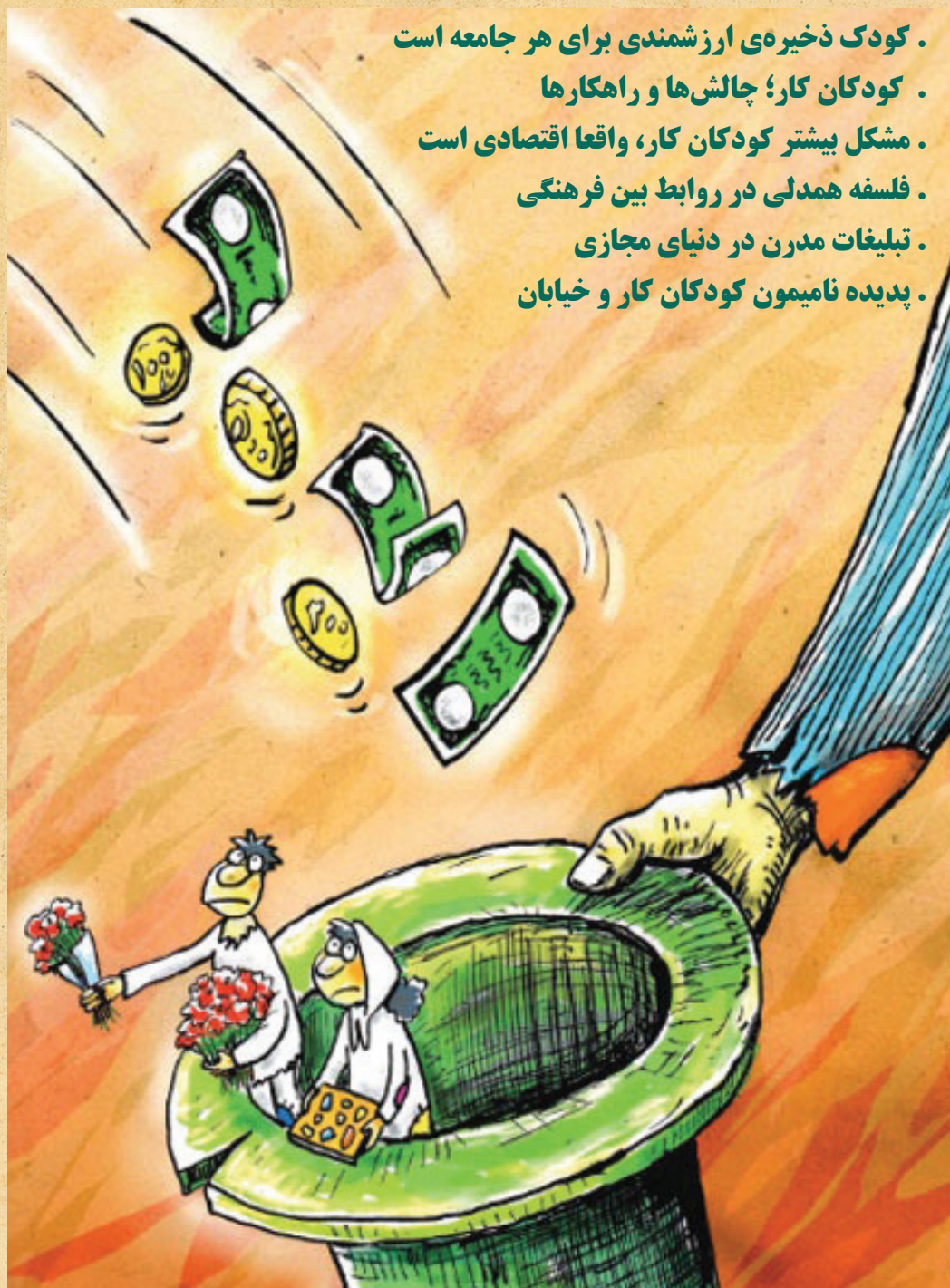


. کودک ذخیره‌ی ارزشمندی برای هر جامعه است
 . کودکان کار؛ چالش‌ها و راهکارها
 . مشکل بیشتر کودکان کار، واقعاً اقتصادی است
 . فلسفه همدلی در روابط بین فرهنگی
 . تبلیغات مدرن در دنیای مجازی
 . پدیده نامیمون کودکان کار و خیابان





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلام بر همدلی درود بر زندگی

ما برای ترویج سلامتی، خیرخواهی، نوع دوستی و همدلی آمده‌ایم.
ما برای تقویت فرهنگ خیر و برکت، گذشت و فداکاری آمده‌ایم.
ما برای گسترش حلم، آرامش و مهربانی آمده‌ایم.
امروز جامعه بیش از گذشته نیازمند اعتماد سازی، صداقت و فداکاری است.
همراه و همدل از دانشگاه شروع کنیم.
کانون خیر خواهان همدل



نشریه فرهنگ همدلی

دوماهنامه فرهنگی، اجتماعی

شماره سوم

مدیر مسئول: سینا مضافیان

سر دبیر: زهرا عباسی

طراح و صفحه‌آرا: مهر و رضایی

ویراستار: زهرا عباسی

زیر نظر هیئت تحریریه

و اعضای کانون خیر خواهان همدل

پل ارتباطی ما با شما:

Email: m_farhangi@wtiau.ac.ir

mastooreh.e@hotmail.com

تلفن: ۲۲۶۴۲۴۴۹



۴.....	بیانات مقام معظم رهبری
۵.....	سر مقاله
۶.....	کودکان کار؛ چالش‌ها و راهکارها
۸.....	روایت یک روز بدون کار با کودکان کار
۱۰.....	کودکان... کار... خیابان... چرا؟؟؟
۱۲.....	پدیده نامیمون کودکان کار و خیابان (مقاله خانم دکتر عزت زاده)
۱۴.....	شعر کودک کار
۱۵.....	مشکل اصلی ما، نگارش قانون نیست، اجرای قانون است
۱۶.....	مصاحبه با کارشناس پایگاه خدمات اجتماعی
۱۸.....	تبلیغات مدرن در دنیای مجازی
۲۰.....	فلسفه همدلی در روابط بین فرهنگی
۲۲.....	چگونگی همدلی در جامعه با کودکان
۲۳.....	مشکل بیشتر کودکان کار، واقعا اقتصادی است
۲۴.....	کودکان خیابانی از منظر ایران و جهان
۲۶.....	قانون درمورد کودکان کار چه می گوید؟
۲۷.....	داستانک



بیانات بسیار مهم مقام معظم رهبری درباره کار فرهنگی و تربیتی کودک و نوجوان

۴

کودک ذخیره‌ی ارزشمندی برای هر جامعه است.

حقیقتاً باید عرض بکنم که مسئولین امور فرهنگی کشور اگر بخواهند مسأله کودک و نوجوان را آن چنان که هست، مورد اهتمام قرار بدهند، من خیال می‌کنم خیلی‌ها از ساعات خواب شبشان هم آن‌هایی که مسئول‌اند خواهند زد تا به این مسأله بپردازند.

یک نکته‌ای که در ضمن مطالب این دوستان هم بود، ذهن بنده هم همواره خیلی متوجه به آن است، این است که ما در درجه‌ی اول باید به ساختن و پرداختن شکل روحی کودکانمان اهتمام بورزیم. اگر توانستیم هویت انسانی این کودک را از آغاز کودکی شکل بدهیم و خلیاتی را در آن به وجود بیاوریم، این برای همیشه به درد خواهد خورد. عوارضی وجود دارد، معمولاً این عوارض اخلاقیات را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ اما اگر چنانچه شخصیت کودک از آغاز ساخته شد و شکل گرفت، تأثیرات عوارض کمتر خواهد بود و عوامل کمک کننده هم در بین راه کمک خواهد کرد.





زهرآ عباسی
دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت امور فرهنگی
واحد تهران غرب
سر دبیر

سرمقاله

همه‌ی کودکان حق دارند از شرایط خوب زندگی برخوردار باشند. حق دارند بازی کنند؛ آموزش ببینند تا شرایط مناسب شکوفایی توانایی‌ها و رشد جسمی، معنوی، اخلاقی و اجتماعی آنها فراهم گردد....

همه‌ی ما هر روز در معابر و خیابان‌ها حضور کودکانی را می‌بینیم که با ظاهری آلوده و زنده به دست‌فروشی، تکیه گری و... مشغول‌اند. اصرارشان در تحریک احساسات ما آنقدر قوی و ناراحت‌کننده است که مظلومیت‌شان را بیشتر چشمگیر کرده است. این مدل شوم منحصر به کشور ما نیست، و دیگر کشورها نیز کم و زیاد با این مسأله دست و پنجه نرم می‌کنند. این محوریّت در جهان به نام کودک خیابانی شناخته شده است و متوسط‌ترین آسیب اجتماعی است که تقریباً نتایج یکسان و دقیقاً مشابهی دارد.

عوامل متعددی آشکارکننده این آسیب است و امروزه خیابان‌های شهرها تکیه‌گاه و پناه این سرمایه‌های ملی شده است... بی‌شک اندیشه فکر کردن به این قضیه و تجسم حضور کودکان و جوانان، امنیت اجتماعی را به خطر انداخته و تمام افراد مواجه با آنان در جامعه را دچار آشفتگی روحی خواهد کرد. باید کمی جدی‌تر و خلاقانه‌تر به این نوع آسیب‌ها نظاره‌گر باشیم؛ زیرا کودکان و نوجوانان کار با حضور دائم در خیابان‌ها به یقین آمار بزهکاری را بالا می‌برند و همین کودک امروز ما فردا به نوجوان و جوان تبدیل خواهند شد و با بالا رفتن سن آنها، درصد آشنایی آنان با سایر آسیب‌های اجتماعی بالاتر خواهد رفت. کودکان کوچکی که ممکن است مجرمان پرسابقه و جنایتکاران بعدی باشند... آگاهی جامعه نسبت به پدیده‌ی کودک خیابانی امری است لازم؛ چرا که موج کودکان خیابانی همانند سونامی عظیمی جامعه را به تلاطم می‌کشد.

درست است که کودکان کار و خیابان، پدیده‌ای جهان‌شمول هستند؛ اما باید این معضل را در هر کشوری با توجه به زمینه و بافت فرهنگی و اجتماعی آن کشور بررسی و تبیین کرد و بر این اساس راه‌حلهایی را در نظر گرفت. جای تأسف دارد که ما به خیل این کودکانی که به اصرار از رهگذران در خیابان‌ها می‌خواهند آدماس، بادکنک، جوراب و یا ناچیزهای این‌چنین بخرند، از سر بی‌اعتنایی به آسانی گذر کردیم و آنها را نادیده گرفتیم.

«کودکان نیروی کار ارزان هستند، از قوانین و مقررات بی‌اطلاع‌اند و قدرت اعتراض و یا مراجعه به مراکز قانونی را ندارند، دستمزد بسیار ناچیز دریافت می‌کنند، در کارگاه‌های مخفی و زیرزمینی و به دور از نظارت مراجع قانونی به کار مشغول‌اند، لذا از سوی کارفرمایان سودجو به فراوانی مورد سوءاستفاده و استثمار قرار می‌گیرند؛ و این مزیت‌ها باعث رونق بازار کار کودکان می‌شود و همیشه متقاضی کار کودک وجود دارد.»

پس بهتر است تک‌تک اعضای جامعه در هر رتبه و درجه کاری قرار می‌گیریم؛ دلسوزانه به آسیب‌های ملموس درون اجتماع نگاه کنیم تا بتوانیم در هر منصب شغلی که قرار گرفتیم؛ راه‌گشای مشکلات جامعه از نظر معیشتی و سایر آسیب‌ها باشیم...



نویسنده: سینا مضافیان
دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت امور فرهنگی
واحد تهران غرب
مدیر مسئول

کودکان کار؛ چالش‌ها و راهکارها

رسمی تعداد این کودکان را حدود بیست هزار نفر اعلام کرده است. بهزیستی آمار کودکان کار جمع‌آوری شده در سال ۸۲ را تعداد ۳۰۱۸۸ نفر اعلام کرده است. اما با توجه به آمارها، تعداد کودکان کار و خیابان بسیار فراتر از آمار اعلام شده رسمی می‌باشد.

کودکان آسیب‌پذیرند و قادر به دفاع از خود نیستند و نیاز به حمایت و کمک بزرگسالان دارند. کودکان کار به علت شرایط خاص زندگی خود آسیب‌پذیری بیشتری دارند.

آثار زیان بار این آسیب‌ها تنها به دوران کودکی منحصر نمی‌شود و تا بزرگسالی نیز ادامه می‌یابد و جامعه را از وجود انسان‌های کار آمد و شایسته محروم می‌سازد.

کودکی دوران حساس رشد و پرورش انسان است و توجه به این سال‌های مهم و فراهم ساختن امکانات مناسب به منظور ایجاد زندگی بهتر برای کودکان از وظایف اساسی ماست. طبیعتاً چنین کودکانی امکان رشد و پیشرفت خود و جامعه را بیشتر فراهم می‌سازند.

۳. چه عواملی در ایجاد پدیده کودکان کار مؤثر است؟

اصولاً در ایجاد مشکلات اجتماعی به علت پیچیدگی آنها یک عامل مؤثر نیست بلکه مجموعه‌ای از عوامل به درجات گوناگون تأثیرگذار است. به‌طور کلی چهار عامل در ایجاد مسائل اجتماعی مؤثر است.

عوامل اقتصادی مانند فقر، بی‌عدالتی، بیکاری، فاصله طبقاتی زیاد در جامعه، توزیع ناعادلانه ثروت و ...

عوامل فرهنگی و اجتماعی از جمله ترکیب ساختار، ازدیاد جمعیت، مهاجرت، جنگ، تغییر ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، فاصله بین نسل‌ها و تضادهای اجتماعی، نارسایی، کمبود قوانین حمایتی از کودکان، وجود

شده‌اند و تنها به صورت گروه‌های کوچک و گاه زیر پوشش باندهای مربوط زندگی می‌کنند.

کودکانی که قبلاً بی‌خانمان بوده‌اند؛ اما در حال حاضر در سرپناه‌ها و مراکز حمایتی نگهداری می‌شود.

کودکانی که دارای خانواده هستند و با خانواده خود زندگی می‌کنند. اما به دلایل مختلف و عمدتاً فقر خود را در خیابان می‌گذارند. این گروه از کودکان به دو دسته تقسیم می‌شوند.

۱. گروهی از آنان در خیابان به کارهای مختلف می‌پردازند (فروش گل، روزنامه، آدامس، زباله‌گردی، واکس‌زنی و ...)

این گروه کودکان کار و خیابان را تشکیل می‌دهند.

۲. گروه دیگر به تنهایی یا همراه پدر و مادر خود به گدایی مشغول‌اند و برخی از آنها در سنین بسیار کم به عنوان ابزار برای تکیه‌گری مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. همه این کودکان با تفاوت‌هایی که با یکدیگر دارند در موارد زیر مشترک‌اند.

بیشترین وقت خود را در خیابان می‌گذرانند. از حقوق اساسی خود (آموزش، تغذیه، بهداشت، امنیت و ...) محروم‌اند.

به علت حضور طولانی در خیابان مشکلات و آسیب‌های فراوانی را تجربه می‌کنند.

۲. چرا توجه به کودکان کار ضروری است؟
دومین چالش ضرورت توجه به کودکان کار است که در کشور ما مدتی مورد انکار بوده و اینک به عنوان یک واقعیت پذیرفته شده است.

کودکان کار پدیده‌ای رشد‌یابنده در جهان و در کشور ماست. براساس آمارهای موجود حدود صد میلیون کودک کار در جهان وجود دارد. در کشور ما آمار دقیقی از کودکان کار در دست نیست. آمارهای

پدیده کودکان کار یکی از مشکلات آسیب‌زای اجتماعی است که از دیرباز در سراسر جهان وجود داشته و در سال‌های اخیر به دلایل گوناگون در کشور ما نیز افزایش یافته است. هرچند در کشورهای پیشرفته رو به کاهش می‌باشد.

* در کشور ما نیز این پدیده با ویژگی‌های دوگانه‌اش، دیرپایی، گستردگی و ضرورت توجه به آن مطرح گردید. لذا این مقاله بر اساس پژوهشی در ارتباط با وضعیت کودکان کار در شهر تهران انجام شده است. مقاله حاضر پنج طرح سوال را که از جمله مسائل مهم در زمینه کودکان کار است را مورد بررسی قرار می‌دهد:

۱. کودکان کار چه کسانی هستند؟
۲. چرا توجه به کودکان کار ضرورت دارد؟
۳. چه عواملی در ایجاد این پدیده مؤثر است؟

۴. چه اقداماتی در این زمینه از طرف سازمان‌های دولتی و غیردولتی و بین‌المللی انجام شده است؟

۵. چه راهکارهایی برای کاهش این پدیده مناسب است؟

- حال پنج سوال مطرح شده را به اختصار مرور می‌کنیم.

۱. کودکان کار چه کسانی هستند؟

کودکان کار طیف گسترده‌ای را با شرایط متفاوت تشکیل می‌دهند که تعریف مشخص آنها اولین چالش در برابر ماست.

براساس تعاریف سازمان‌های بین‌المللی (سازمان بهداشت جهانی، یونسف و آژانس بین‌المللی کودکان کار) کودکان کار را می‌توان بر اساس وضعیت زندگی آنها به چهار گروه تقسیم کرد:

کودکان بی‌خانمان که خانه و خانواده ندارند و در خیابان زندگی می‌کنند. این کودکان را اصطلاحاً کارتن‌خواب می‌گویند. کودکانی که دارای خانه و خانواده هستند و به دلایلی مختلف از خانواده خود جدا

نگرش‌ها، باورهای نادرست و تبعیض‌آمیز از جمله نگرش به کودک به عنوان منبع درآمد خشونت با کودکان و...

عامل خانوادگی مانند خانواده‌های پر جمعیت گسسته و پر تنش، سابقه بزهکاری و اعتیاد در خانواده، نا آگاهی والدین از نیازهای مناسب با آنها و...

عوامل فردی یا زیستی‌روانی مانند ویژگی‌های شخصیتی کودکان، ظرفیت روانی و توانمندی کودکان در برخورد با مشکلات زندگی، بحران بلوغ و تأثیرات آن و...

این گروه از عوامل خود تحت تأثیر عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی قرار دارند.

۴. چه اقداماتی در ارتباط با کودکان کار در کشور ما انجام شده است؟

این اقدامات را که از جمله چالش‌های موجود در این زمینه است می‌توان در سه سطح مورد بررسی قرار داد:

الف) اقدامات انجام شده توسط سازمان‌های دولتی:

این اقدامات از سال ۷۷ توسط سازمان بهزیستی با همکاری شهرداری وزارت کشور و سازمان مدیریت به شرح زیر انجام شده است:

- تشکیل ستاد ساماندهی کودکان کار
- جمع‌آوری کودکان کار و خیابانی در تهران
- تأسیس مراکزی برای نگهداری کودکان کار و خیابانی همراه با آموزش‌هایی برای آنان
- ایجاد مراکز مداخله در بحران در تهران و استان‌ها

- برگزاری همایش‌هایی در ارتباط با کودکان کار و خیابانی

- ایجاد ارتباط با سازمان‌های غیردولتی و بین‌المللی (یونیسف) و برنامه‌های مشترک با آنها

ب) اقدامات انجام شده توسط سازمان‌های غیردولتی:

- ایجاد مراکز باز برای آموزش کودکان کار و خیابانی و ارتباط با خانواده‌هایشان در تهران
- انجام پژوهش‌هایی در ارتباط با کودکان کار و خیابانی

- برگزاری همایش کارگاه نمایشگاه در ارتباط با کودکان خیابانی و حساس‌سازی و آگاه‌سازی مردم نسبت به این مسأله
- ارتباط و همکاری با سازمان‌های دولتی و یونیسف.

ج) اقدامات انجام شده توسط یونیسف :

- برگزاری کارگاه‌های آموزشی در ارتباط با کودکان کار

- انجام یک پژوهش درمورد کودکان کار
- ارتباط با سازمان‌های دولتی و اجرای طرح‌های مشترک با آنها

- حمایت‌های مالی و فنی از اقدامات سازمان‌های دولتی از جمله فراهم کردن امکانات سفرهای مطالعاتی به منظور استفاده از تجربیات سایر کشورها در این زمینه
- ارتباط و همکاری با سازمان‌های غیردولتی

۵. چه راهکارهایی برای کاهش پدیده کودکان کار وجود دارد؟

- ارائه راهکارها یکی از چالش‌های مهم در ارتباط با کودکان کار است:

- تأکید بر امر پیشگیری به منظور جلوگیری از باز تولید کودکان کار و خیابان.
- توجه به عوامل ایجاد کننده پدیده کودکان خیابانی و اولویت‌های آن و اتخاذ راهکارهای مرتبط با آن.

- کاهش تمرکز بر کلان‌شهرها و توجه به شهرها و روستاها به عنوان منابع باز تولید این کودکان.

- تأکید بر توجه به شرایط موجود در جامعه ما پدیده کودکان کار و خیابان را نمی‌توان کاملاً از بین برد بلکه می‌توان آن را کاهش داد و کاهش آن نیز به صورت ضربتی و با اجرای چند طرح بلکه به شکل یک جریان و فرایند در قالب راهکارهای بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت عملی خواهد بود.

راهکارهای بلند مدت در سطح کلان شامل فقرزدایی، تأمین رفاه و عدالت اجتماعی، کاهش تبعیض طبقاتی با توجه به تأثیر عامل فقر در ایجاد پدیده کودکان کار

توجه به آموزش همگانی به ویژه والدین به منظور تغییر نگرش‌های نامطلوب نسبت به کودکان و بازسازی فرهنگی جامعه به ویژه اعتیاد، بزهکاری، تأکید بر کاهش مشکلات اجتماعی از جمله افزایش جمعیت، مهاجرت، بیماری روانی و...

بدیهی است تحقق این روش‌ها که نیاز به برنامه‌ریزی در سطح کلان جامعه دارد، مستلزم تغییراتی در ساختارهای اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جامعه است؛ که رسانه‌ها کمک ویژه‌ای می‌توانند در این عرصه داشته باشند.

راهکارهای میان مدت، کوتاه مدت در سطح سازمان‌های دولتی و غیردولتی مرتبط با کودکان شامل موارد زیر:

تدوین قوانین حمایتی و بازنگری در برخی از آنها در ارتباط با کودکان کار و خیابان
نظارت بر اجرای دقیق قوانین موجود در مورد کودکان از جمله قانون کار، پیمان نامه حقوق کودک، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و مقابله نامه ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار که همه آنها به تصویب رسیده است.

ایجاد شبکه یا نظام یکپارچه حمایت از این کودکان به منظور هماهنگی بین سازمان‌های دولتی و غیردولتی مرتبط جلوگیری از دوباره کاری و ارائه خدمات مناسب به کودکان

ساماندهی مناسب کودکان کار و خیابان ارتباط با خانواده‌های این کودکان، انجام حمایت‌های مالی، قانونی، آموزشی، درمانی، مشاوره‌ای و مددکاری از طریق ارائه خدمات لازم، ایجاد مراکز حمایتی مناسب به صورت باز و آزاد و هدفمند، با برنامه جامع آموزشی به منظور حمایت و ارائه خدمات لازم و داوطلبانه به کودکان. تجربه نشان داده که ایجاد مراکز باز برای حضور داوطلبانه کودکان کار و خیابان که از طرف سازمان‌های غیردولتی انجام شده است بر عکس مراکز دولتی مورد استقبال فراوان این کودکان و خانواده‌های آنان قرار گرفته است؛ به‌ویژه که از این طریق می‌توان به شناسایی آنان نیز اقدام کرد.

ایجاد سرپناه‌ها در محل کار و زندگی کودکان کار و خیابان برای مراجعه داوطلبانه کودکانی که با خانواده خود زندگی نمی‌کنند و نیاز به خدمات گوناگون دارند.

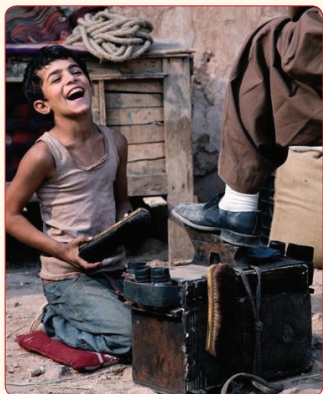
برخوردار کردن کودکان کار و خیابان از بیمه تأمین اجتماعی. در آخر باید متذکر شد که با همدلی و کمک افراد سالم جامعه همچنین فرهنگ‌سازی مناسب از طریق انواع رسانه‌های جمعی می‌توان به این معضل اجتماعی پایان داد. همانطور که در برخی از کشورهای توسعه یافته به پایان رسیده.

با این امید که بتوانیم در کاهش پدیده کودکان کار و خیابان گام‌های مؤثری برداریم.



روایت یک روز بدون کار با کودکان کار

که پشت آن نوشته شده «بازی حق کودکان است»



در روز شنبه ۲۴ خرداد ماه سال ۱۳۹۴ ورزشگاه شهید هرندي میدان شوش تهران میزبان بچه‌های کار بود. کودکان و نوجوانانی که بعد از چهار روز برنامه‌های مختلف در سطح شهر، در این برنامه به مناسبت «روز جهانی کار کودک» شرکت کردند...

بازی حق کودکان است

یک گوشه ورودی سالن را به محل توزیع بسته‌های تغذیه اختصاص داده‌اند، و به دست هر بچه‌ای که وارد می‌شود، یک بسته خوراکی حاوی ساندویچ، نوشابه و خوراکی‌های کودکانه داده می‌شود. بچه‌ها در گروه‌های مختلف ۲۰-۳۰ نفره به همراه معلمان خود وارد سالن اصلی می‌شوند و بعد از نشستن در جایگاه‌های تعیین شده، برای شروع مراسم آماده می‌شوند. یکی از مربیان درباره نحوه گزینش بچه‌ها این طور توضیح می‌دهد. «بچه‌های این گروه، همگی کودکان کار مدرسه‌مان هستند که ما آنها را برای شرکت در این برنامه انتخاب کردیم».

با اینکه تعداد صندلی‌های اشغال شده، بیشتر از قبل به نظر می‌رسد ولی هنوز صندلی‌های خالی بیشتر به چشم می‌آیند. البته تعداد قابل توجهی از بچه‌ها روی صندلی نشسته‌اند و چند قدم آن طرف‌تر مشغول شیطنت‌های بچگانه هستند. بیشتر بچه‌ها با لباس مدرسه در مراسم حاضر شده‌اند. اما برخی دیگر کاورهایی پوشیده‌اند

هنوز میهمان تابستان نشده‌ایم ولی گرمای طاقت‌فرسایش روی کوچه و خیابان‌ها مانور قدرت می‌دهد، جنوب شهر هم که باشی دیگر نور علی نور می‌شود. حوالی میدان شوش مثل اکثر روزهای جمعه، سکوت حکم‌فرما است و خبری از جشن به چشم نمی‌خورد حتی تا پشت درهای ورزشگاه هرندي هم هیچ جنب و جوش خاصی نیست. در محوطه زمین چمن ورزشگاه، یکی دو گروه ۲۰ نفره از کودکان روپوش سورمه‌ای و چند مدیر جوان و یک مرد لباس عروسی مشغول تمرین برنامه‌هایشان هستند. اما ماجرا با ورود به سالن فوتسال ورزشگاه هرندي رنگ و بویی دیگر به خودش می‌گیرد. انگار که برای دیدن ال‌کلاسیکو قدم در نیوکمپ گذاشته باشی، صدای سوت و جیغ و دست و هورا آن چنان گوش‌ها را آزار می‌دهد که تا چند دقیقه بعد به جز سوت، چیز دیگری شنیده نمی‌شود. تمام محوطه سالن فوتسال برای این مراسم صندلی چیده شده که غالباً توسط بچه‌ها اشغال شده‌اند. پخش آهنگ حسابی بچه‌ها را سر ذوق

بی خیال بریم سرکار

گرمای هوا، همه را کلافه کرده، پرچم‌هایی که چند دقیقه پیش با ریتم آهنگ این‌ور و آن‌ور می‌رفتند حالا تبدیل به بادبزنی شده‌اند. تأخیر در شروع مراسم هم، علت دیگری شده تا حوصله بچه‌ها سر برود و بچه‌های «بریم خونه» به گوش می‌رسد. بعضی از بچه‌ها قصد برگشت به خانه را می‌کنند که با ممانعت مسئول انتظامات، به محل بازی‌شان برگشت می‌خورند. یکی از بچه‌ها که از این ناهماهنگی‌ها حسابی شاکی است می‌گوید: «اولا که حوصله‌مون سر رفته، بعدشم باید برم سر کار، بارها رو تحویل آقا بدم. حتما الان بدجور شاکیه از دستم». با تعجب از بی‌اطلاعی صاحب کارش از وجود چنین مراسمی می‌پرسم. «خبر داره که اینجام و همچنین برنامه‌ای هست، اما آنقدر اجازه نمیده بهم که همچنین کارهایی بکنم. می‌گه خیلی وقتمو الکی می‌گذرونم، این پنج روزی که برنامه بود، همه را جزو مرخصیم حساب کرد.» علی پسرک کوتاه قدی که

تا حالا آرام کناری ایستاده و فقط به صحبت‌های مان گوش میداد، خودش را وارد ماجرا می‌کند. «شما نمی‌دونید که، ما الان از صبح تا حالا می‌تونستیم کلی کاسبی کنیم ولی به جاش اینجا تو گرما نشستیم.»

خانم فاطمی، یکی از مربیان درباره نحوه تعامل با صاحب کار بچه‌ها و پدر و مادرشان توضیح می‌دهد. «برای حضور این بچه‌ها هماهنگی‌های لازم با سرپرست آنها در خانه و محل کارشان انجام شده. حالا اگر می‌خواهند اینجا را ترک کنند و دلیل هم می‌آورند، بخاطر شیطنت‌های بچگی‌شان است» وقتی که سر می‌چرخانیم تا با بچه‌ها بیشتر گپ بزنیم، متوجه می‌شویم دور و برمان خالی است. همان بچه‌ها خودشان را از نرده‌ها بالا می‌کشند و خود را از این همه‌مه و شلوغی رها می‌کنند.

شادی با طعم پنگول

با یک ساعت و ۴۵ دقیقه تاخیر جمعیت حاضر در سالن به احترام سرود ملی ایران روی پاهای خود می‌ایستند تا به نوعی این کار، نوید شروع برنامه را بدهد. قرآن هم توسط نفر اول مسابقات قرآن نوجوانان تلاوت می‌شود.

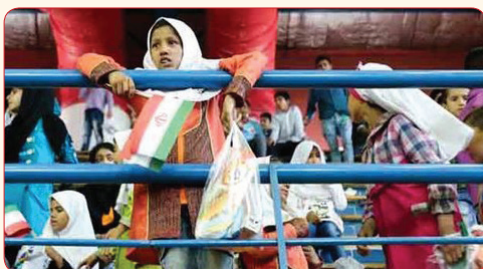
حالا، نوبت گروه ارکستر یک نفره است که سالن را به هوا بفرستد. گرمای هوا فراموش شده و بچه‌ها قید رفتن به خانه را زدند و کنجکاوانه مراسم را دنبال می‌کنند. شایعه‌ها تبدیل به واقعیت شده اند و گروه «رنگین کمان» با حضور غافلگیرکننده خود، حال بچه‌ها را حسابی جا می‌آورد. عروسک محبوب پنگول، به همراه خاله نرگس با اجرای خوب و خواندن آهنگ‌های شاد، آدرنالین خون بچه‌ها را چند درجه ارتقا داده اند. صحت این گفته وقتی معلوم می‌شود که با گذشت حدود یک ساعت و سی دقیقه از شروع مراسم، بچه‌ها که

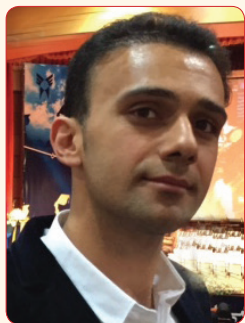
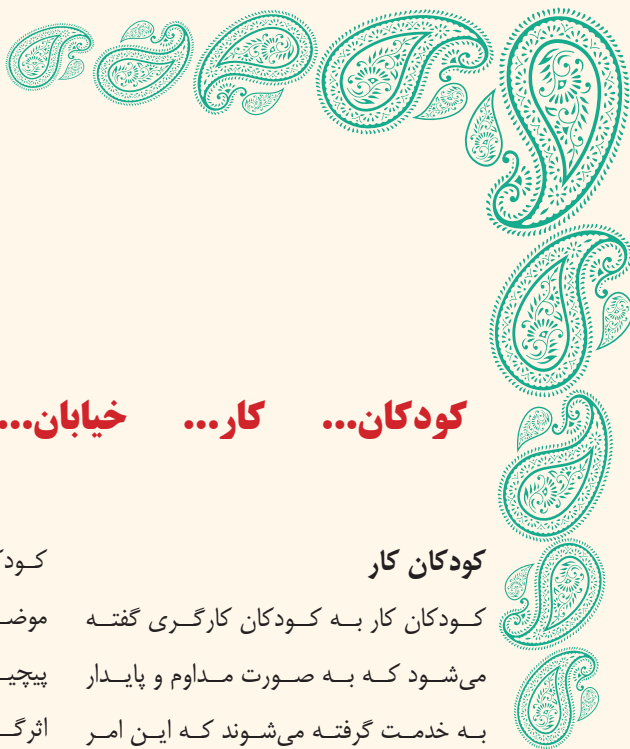


با دیدن خاله نرگس و دوستان به وجد آمده اند، به هر سوالی، با صدای بلند جواب می‌دهند. کار رنگین‌کمانی‌ها که تمام می‌شود، مجری برای اعلام آیتم بعدی بالای سن می‌رود و «آقای خنده ایران» را به اجرای برنامه فرا می‌خواند. حسن ریوندی برنامه‌اش را

اجرا می‌کند اما بچه‌ها خسته تر از آن هستند که بتوانند پیغام «دست و جیغ و هورای» آقای خنده را لایک بگویند. در این بین چند نفر از بچه‌ها، پای سن می‌روند و از حسن ریوندی تقاضای آهنگ درخواستی می‌کنند. ریوندی انگار فضای مناسبی را برای تمرین پیدا کرده و بی‌توجه به سن و سلیقه مخاطبان، هر کاری را در حد ۱۰ تا ۱۵ ثانیه اجرا می‌کند. همین موضوع باعث می‌شود کنترل جمعیت را از دست بدهد.

ساعت از ۱۲ ظهر گذشته که یکی دو گروه از بچه‌ها حین اجرای آیتم طنز سالن را ترک می‌کنند. در میان اجرای ریوندی سالن رو به خلوتی می‌رود و به جز ۳-۲ ردیف، بقیه صندلی‌ها خالی است. آقای خنده هم به این موضوع واکنش نشان می‌دهد و رو به مجری می‌گوید: «دست درد نکند، امروز فهمیدم اجرا برای صندلی‌های خالی چه حسی دارد.» سالن فوتسال دیگر کاملاً خالی شده. چهره خندان بچه‌ها نشان می‌دهد از مراسم راضی بوده اند. بچه‌ها از سالن بیرون آمده اند تا دیر تر نشده باید خودشان را به محل کار برسانند وگرنه هم از کاسبی جا می‌مانند؛ هم شاید دیگر صاحب کارشان اجازه مرخصی برای کارهای واجب‌تر به آنها ندهد!





گردآورنده: علیرضا جاویدشاد
دانشجوی کارشناسی رشته حسابداری مالیاتی
واحد تهران غرب
عضو هیئت تحریریه

کودکان... کار... خیابان... چرا؟؟؟

کودکان کار

کودکان کار به کودکان کارگری گفته می‌شود که به صورت مداوم و پایدار به خدمت گرفته می‌شوند که این امر آنها را در بیشتر اوقات از رفتن به مدرسه و تجربه دوران کودکی بی‌بهره می‌سازد و سلامت روحی و جسمی آنها را تهدید می‌کند. کار کودک نزد بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی فعالیتی استثماری تلقی می‌شود. کار کودک در درجات مختلف در طول تاریخ وجود داشت اما با آغاز سوادآموزی همگانی و تغییراتی که در شرایط کار طی صنعتی شدن به وجود آمد و ظهور مفاهیم حقوق کارگر و حقوق کودکان مورد نقد و بحث عمومی قرار گرفت. کار کودکان همچنان در جاهایی که سن ترک مدرسه پایین است شیوع دارد. بر اساس آمار سازمان جهانی کار (ILO)، سالانه ۲۵۰ میلیون کودک ۵ تا ۱۴ ساله در جهان محروم از کودکی می‌شوند. طبق این آمار ۱۲۰ میلیون نفر از آنها وارد بازار کار شده و مشغول به کار تمام‌وقت هستند. ۶۱ درصد این کودکان در آسیا، ۳۲ درصد در آفریقا و ۷ درصد در آمریکای لاتین زندگی می‌کنند. قاچاق انسان از راه‌های عمده وارد کردن این

کودکان به بازار است.

موضوع کودکان کار موضوع نسبتاً پیچیده‌ای است و عوامل گوناگونی در آن اثرگذار هستند. از جمله:

- ساختار خانواده
- فقر
- تغییرات اقتصادی ناگهانی ناشی از جنگ و ... (که منجر به مهاجرت به کشورهای همسایه برای کار با دستمزد بیشتر می‌شود)

- هزینه تحصیل و نظام آموزشی نادرست کودکان کار در شرایط بسیار نامطلوب از نظر تغذیه، بهداشت و انجام کارهای خطرناک و حاد به سر می‌برند. این کودکان می‌توانند به راحتی بازپچه دست بزهکاران حرفه‌ای اعم از سارقین یا باندهای توزیع مواد مخدر، عوامل ایجاد خانه‌های فساد و... قرار گیرند. و همچنین عدم بهره‌گیری از آموزش و تحصیل علم و فن، قدرت رقابت با سایر کودکان در ایجاد یک زندگی سالم را هر چه بیشتر از این کودکان سلب می‌کند.

چگونگی همدلی با کودکان کار

برای دست یابی به مهارت همدلی ابتدا باید به خودآگاهی برسیم و کسب

خودآگاهی از طریق شناخت موفقیت‌ها، شکست‌ها و نقاط ضعف و قوت خویش قابل دست یابی است. باید در راستای استعدادها و علایق خود کار کنیم. باید بدانیم توانایی‌های ما در کدام جهت بیشتر است تا در همان مسیر گام برداریم. باید خلاقیت داشته باشیم و راه‌های بهینه را متناسب با شخصیت خود برای رسیدن به ارتباط بهتر (از جمله مهارت همدلی کردن) انتخاب کنیم. در اینجا چند نکته در رابطه با مهارت همدلی باید مورد توجه قرار گیرد. در همدلی به هیچ عنوان از جملات قاطعانه استفاده نکنید. جملاتی نظیر «چقدر عصبانی هستی» یا «مطمئناً تو ترسیده‌ای» مانع پیشروی ارتباط است. باید با جملاتی مثل «به نظر نگران می‌آیی» یا «حدس می‌زنم روز سختی داشته‌ای» طرف مقابل را واداشت تا خود از احساسش برای شما بگوید. از کلمات کوتاه (کلمات تشویق کوتاه) در نشان دادن اشتیاقمان به شنیدن بهره ببریم. لحن صدا و طرز گرفتن چهره نیز در نشان دادن همدلی مهم است. مهارت همدلی یعنی کشف احساسات زیر بنایی در سخنان طرف مقابل.

برای چه و چگونه با کودکان کار ارتباط برقرار کنیم؟

در ابتدا باید مد نظر داشته باشیم که نباید سؤال‌ها و نحوه‌ی برقراری ارتباط به صورت کنجکاوی مطرح شوند. کودک نباید این احساس را پیدا کند که شما قصد کنجکاوی در زندگی او را دارید. و گرنه بلافاصله دوری می‌کند. سعی کنید به زندگی او و به شخصیتش احترام بگذارید و اعتمادش را جلب کنید. زمانی به سراغ کودکی بروید که قصدتان برای خودتان کاملاً روشن است و در ابتدا هدف‌تان را برایش بیان کنید. بگویید که برای کار عملی

آمده‌اید و در تمام مراحل این نکته را به خاطر داشته باشید که کاری که از عهده تان خارج است را انجام ندهید و بیانش نکنید. اگر به صورت شخصی کار می‌کند، می‌توان امیدوار بود که بتوان قدمی برایش برداشت و با خانواده‌اش ارتباط برقرار نمود.

اگر امکانش را دارید و شرایط خانواده کودک این امکان را می‌دهد، برایشان کار پیدا کنید، می‌توانید برای کودکان کلاس‌های آموزشی داشته باشید. منتها باید حتماً این کلاس‌ها در مکان‌های رسمی برگزار شود. خدمات بهداشتی نیز از جمله خدماتی است که می‌توانید

در مورد این کودکان ارائه دهید. روز ۲۲ خردادماه هر سال برابر با ۱۲ ژوئن در تمام کشورهای جهان روز منع کار کودک اعلام شده است. به این ترتیب در کشور ما نیز این مسئله صادق است. اما چند سالی است به واسطه برخی مسائل این روز یا کمی عقب‌تر و یا کمی جلوتر در حال برگزاری و پاسداشت توسط گروه‌های مردم نهاد بوده که در سال‌های گذشته به بهترین نحو و حداقل در حد توان و امکانات ناچیز خود توانسته‌اند فعالیت‌هایی را تدارک دیده و مردم و مسئولان را با این آسیب اجتماعی آشنا تر کنند.

تنها کسی که اگه بایه شاخه گل به خونه بره ، مؤاخذه می‌شه
کودک گل فروشی سر چهار راهه ...





نویسنده: خانم دکتر مستوره عزت‌زاده
رئیس دفتر فرهنگ اسلامی
واحد تهران غرب

پدیده نامیمون کودکان کار در ایران و جهان

درصد پاسخ گویان دارای خانواده و سرپناهی برای سکونت هستند. عبارت دیگر برعکس آنچه که در تعاریف آژانس‌های بین‌المللی از آن بعنوان کودکان خیابان یاد می‌شود، آنچه ما با آن روبرو هستیم پدیده کودکان خیابانی است که دارای خانه و خانواده هستند ولی بیشتر وقت خود را به کار و یا پرسه‌زنی در خیابان‌های شهر می‌پردازند. برخی از این کودکان که تحت تأثیر فشارهای طاقت‌فرسای اقتصادی هستند، به میل و رغبت خود برای کمک به خانواده و برخی نیز تحت تأثیر اجبار و الزام‌های والدین و بزرگ‌ترها به کار کردن در خیابان روی می‌آورند. آنان با محرومیت از تحصیل به اشتغال در مشاغل کاذب داوطلب می‌شوند. در بخش دیگری از نتایج این پژوهش آمده است که به موازات افزایش میزان درآمد سرپرست خانوار بر تعداد کودکان مدرسه رو افزوده می‌شود. بالعکس از تعداد کودکان ترک تحصیل کرده کاسته می‌شود. این پژوهش عواملی مانند

کار کودک تأثیرگذار است بخش زیادی از کودکان کار دارای خانواده بوده و خانواده‌های آنها دارای مسائل اقتصادی و مواجه با اعتیاد و بیکاری هستند. کودکان برای خانواده‌های خود کار می‌کنند و قوانین ما آنگونه نیست که به راحتی بتوان حضانت این بچه‌ها را گرفت و اساساً چنین امکاناتی در کشور وجود ندارد. امروز جمع کردن کودکان کار از چهار راه‌ها آنها را به کارگاه‌های زیرزمینی می‌کشاند و ما تا نتوانیم برنامه دقیقی را در این بخش اجرا کنیم امکان جلوگیری از کار کودک وجود نخواهد داشت.

در شماره ۱۹ سال پنجم فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی یک کار تحقیقی در مورد کودکان کار و خیابان منتشر شده که تحت نظر دکتر سید حسن حسینی جامعه‌شناس انجام گرفته. جامعه آماری این تحقیق ۵۰۶ نفر در پنج شهر تهران، مشهد، شیراز، اهواز، و رشت بوده و با روش پرسش‌نامه و جمع‌آوری اطلاعات صورت گرفته. این پژوهش براساس داده‌های خود نتیجه می‌گیرد، ۹۰

یکی از شاخص‌های اندازه‌گیری رشدیافتگی در سازمان بهداشت جهانی و یونیسف وضعیت کودکان کشورهاست، پیمان جهانی حقوق کودک که یک پیمان بین‌المللی برای دفاع از حقوق کودک است در سال ۱۹۹۰ به اجرا درآمد و بر ۴ محور بقاء، رشد، حمایت و مشارکت استوار است.

مهم‌ترین وظیفه دولت‌ها در ایجاد حق هویت برای کودکان کار، صدور کارت شناسایی و اجازه تحصیل در مدارس، پوشش صددرصدی بیمه سلامت ایران ویژه کودکان کار و از طرح‌هایی است که برای حل بحران کودکان کار واجب و ضروری است. کار کودکان نه تنها بنیان طبیعی و حقوقی انسانی را پایمال می‌کند بلکه تهدیدی جدی برای آینده اجتماعی و رشد و پیشرفت اقتصادی است. براین اساس کارشناسان بعنوان یک معضل اجتماعی به آن می‌نگرند.

مسائل و مشکلات معیشتی و اقتصادی خانواده و افزایش هزینه‌های زندگی در ایجاد پدیده

فقر اقتصادی خانواده های کودکان خیابان، ناتوانی آنان در انطباق با شیوه های زندگی شهرهای بزرگ، آسیبزا بودن محلات حاشیه شهر و نارسایی نهادهای اجتماعی مانند خانواده و مدرسه و فقدان نظارت کافی از سوی سازمان های متولی را از عوامل پدیده کودکان کار و خیابان برمی شمارد.

در سال ۹۴ در میزگردی توسط خبرگزاری ایسنا در مورد کودکان کار و بر روی دو محور "خروج از چرخه تحصیل کودکان کار" و "وضعیت درمان و بیمه کودکان کار" تشکیل شد، رییس هیأت مدیره انجمن حمایت از حقوق کودک عنوان کرد: "طبق تحقیقات انجام شده ۴۵ درصد کودکان کار و خیابان در معرض بیماری هایی نظیر، ایدز، هپاتیت و سفلیس قرار دارند و از بیماری هایی

مثل سوء تغذیه، کوتاهی قد، کمبود وزن، مشکلات روحی روانی و بیماری های پوستی رنج می برند." با وجود حساسیت عمومی جامعه داخل و جامعه جهانی بر موضوع کودکان کار در حال حاضر کمتر از ۱۰ شکل در ایران اختصاصاً به کار کودک می پردازد.

بسیاری از کودکان در بنگاه های زیرزمینی و غیر رسمی به کار گرفته می شوند. وجود کودکان کار و خیابان امروز چه در عرصه تولید مثل کوره پزخانه و کارگاه های کوچک مثل فرش بافی و شیشه سازی و مانند آن و چه در عرصه خیابان مثل فروش گل، پاک کردن شیشه ماشین ها، آدامس فروشی و امثال آن در شهرهای بزرگ و کوچک ایران غیرقابل انکار و به پدیده ای عادی تبدیل شده است.

آنچه مسلم است تمام انواع کار کودک به خصوص بدترین اشکال آن باید ریشه کن شود چرا که کار کودک نه تنها بنیان طبیعی و حقوقی انسانی را پایمال می کند بلکه تهدیدی جدی برای آینده اجتماعی و رشد و پیشرفت اقتصادی محسوب می شود.

به نظر می رسد که پدیده کودکان کار نیازمند یک اجماع واحد و تعامل همه جانبه از سوی دستگاه های دولتی و نهادهای اجتماعی و غیردولتی است، تعاملی که می تواند ماحصل آن شناسایی کودکان کار، ایجاد مشاغل پایدار برای خانواده های آنان، گسترش حیطه نظارت سازمان های دولتی نظیر بهزیستی و معرفی کودکان کار به NGOها برای حمایت و پوشش باشد.



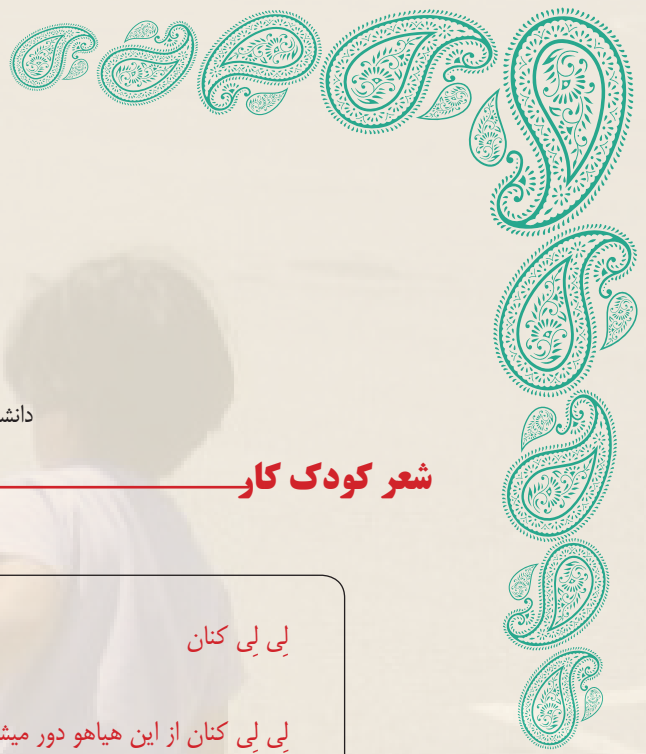
عنوان مطلب: علت

– دوست داشتی چه کاره شوی ؟

. دکتر

– پس چرا درس نخواندی ؟

. چون باید کار می کردم.



شاعر: مریم روزبهانی
دانشجوی رشته‌ی مهندسی کامپیوتر گرایش نرم افزار
واحد تهران غرب

شعر کودک کار

لی لی کنان

وحشت نکردند هیچ یک از این رفیقان
وقتی که با قهر و گله با ساز می‌خواند
در بند بود و ملتی که تا قیامت
نفرین شدند و دخترک آواز می‌خواند

سیگار دارم می‌خری؟؟... گل می‌فروشم
من فال دارم ... مرغ عشقم پر ندارد
بی‌حسی بخت من است و این زمستان
بخت سیاهم ربط به گلپر ندارد

آخر نمی‌دانند دل‌های غریبه
سنگ میان دست‌هایم سنگ مرگ است
مرگی برای شیشه‌های مشکی بنز
وقت گذر از دردهایم سمت ننگ است

وقتی که من لی لی کنان آواز خوانان
خواهی نخواهی می‌روم سمت خیابان
خواهی نخواهی از تو می‌پرسم بگویی
این عمر من این کودکی‌ها بود ارزان؟؟

از کی تمام رنگ‌ها را دلخوشی را
از کودکی‌ها از نگاهم جمع کردند؟
از کی تمام عمر من را بی تفاوت
نامردمان با درد قلع و قمع کردند؟

لی لی کنان از این هیاهو دور میشد
سنگی میان دست‌های پینه بسته
انگار از این کوچه‌ها و این گذرها
رد می‌شود هر روز این زیبای خسته

هر روز می‌داند دوباره روزی از نو
باید به این دیوارها دل خوش کند باز
یا منتظر باشد ببیند از خیابان
سر می‌رسد یک آدم پولدار پر ناز

باید بترسد از کسی که می‌شمارد
این سکه‌ها را چون خودش در سکه‌بازی
باید بفهمد از نگاه آن رفیقش
وقتی که سیلی خورد و گفت بپا نبازی

باید بفهمد رنگ‌های اسکناسی
باید که بر این تیره روزی‌ها بپاشد
باید فراموشش کند یک جعبه رنگی
مثل مداد آن رفیقش داشته باشد

یک وقت‌هایی دوست دارد خواب باشد
مثل همان طفلی که بر دوش همان زن
خوابیده است و خواب‌های تلخ دارد
لعنت به این همبازیان پست و جر زن

مشکل اصلی ما، نگرارش قانون نیست، اجرای قانون است

کودکان کار در تعریف عام به کودکان کارگری گفته می‌شود که به صورت مداوم و پایدار به خدمت گرفته می‌شوند، کار کودک نزد بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی فعالیتی استثماری تلقی می‌شود.

در بیشتر کشورهای جهان، کار کودک شامل کار در مزارع، کارخانه‌ها، معادن و بخش‌های خدماتی است و مشاغل کاذبی چون دستفروشی را هم در برمی‌گیرد؛ کودکان کار اکثراً به صورت آزاد یا خیابانی، نیمه‌وقت و تمام‌وقت، فصلی و کارمزد مشغول کار هستند. ناپذیرفتنی‌ترین شکل‌های کار کودکان استفاده نظامی از کودکان و تن‌فروشی آنان است.

بر اساس آمار سازمان جهانی کار، سالانه ۲۵۰ میلیون کودک ۵ تا ۱۴ ساله در جهان از کودکی محروم می‌شوند، طبق این آمار ۱۲۰ میلیون نفر از آن‌ها وارد بازار کار شده و مشغول به کار تمام وقت هستند، ۶۱ درصد این کودکان در آسیا، ۳۲ درصد در آفریقا و ۷ درصد در آمریکای لاتین زندگی می‌کنند. پیمان جهانی حقوق کودک، یک پیمان‌نامه بین‌المللی برای دفاع و حمایت از حقوق کودکان تهیه شده است، این پیمان که پس از ۱۰

سال گفتگو میان کشورهای عضو سازمان ملل در سال ۱۹۸۹ میلادی تدوین و در سال ۱۹۹۰ به اجرا درآمد؛ به طور کلی چهار محور بقاء، رشد، حمایت و مشارکت را در ارتباط با کودکان مورد توجه قرار می‌دهد.

ماده ۳۲ این پیمان می‌گوید: کودک باید در برابر هر کاری که رشد و سلامت او را تهدید می‌کند حمایت شود و دولت‌ها باید حداقل سن کار و شرایط کار کودکان را مشخص کنند. در ماده ۲۶ این پیمان نیز آمده است که هر کودکی حق دارد از تأمین اجتماعی از جمله بیمه اجتماعی برخوردار شود و ماده ۲۷ آن تأکید می‌کند که کودکان باید از سطح زندگی که تأمین کننده رشد جسمی، ذهنی و اجتماعی آنها است، برخوردار شوند.

در ایران ماده ۷۹ قانون کار، اشتغال به کار کودکان زیر ۱۵ سال را ممنوع دانسته است. البته کارگران شاغل در کارگاه‌های خانوادگی که کارفرمای آن‌ها، همسر یا بستگان و خویشاوندان نسبی درجه یک باشند، مشمول قانون کار نیستند در نتیجه حداقل سن کار در مورد چنین کارگرانی رعایت نمی‌شود؛

بر اساس قانون کار اگر یک کارفرما کودک زیر ۱۵ سال را به کار بگیرد،

متخلف خواهد بود و برای نخستین بار مجازات نقدی، بار دوم مجازات نقدی و حبس و بار سوم علاوه بر این موارد، کارخانه یا کارگاه پلمپ و پروانه کار فرد متخلف ابطال خواهد شد.

آمارهای غیررسمی تعداد کودکان کار ایرانی را ۷ میلیون نفر تخمین می‌زند که گفته می‌شود ۴۰ درصد این کودکان را کودکان مهاجر تشکیل می‌دهد. آخرین اطلاعات مرکز آمار ایران ۱ میلیون و ۷۰۰ هزار کودک در ایران را به عنوان کودک کار معرفی می‌کند. سازمان جهانی کار نیز اعلام کرده است که ۲۱۵ میلیون کودک ۵ تا ۱۴ ساله کشورها، در دام کار گرفتار هستند. در ایران، ۳۰ درصد کودکان کار دارای والدین با سابقه محکومیت هستند و ۴۰ درصد نیز دارای والدین بی‌سواد یا کم سواد هستند، ۸۵ درصد کودکان کار ایرانی و ما بقی از سایر کشورها هستند.

امیر محمود خریچی جامعه‌شناس با توجه به درآمد سرانه ۱۳ هزار دلاری ایران به ایسنا می‌گوید: "نمی‌توانیم بگوییم پول نداریم. موضوع چگونگی توزیع پول است، در کشورهای خواهان توسعه کار کودکان زیر ۱۵ سال ممنوع است و درمان و بهداشت برای آنان رایگان است." «وی مشکل اصلی ما را نه



مصاحبه‌گر: مهناز اسماعیلی

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت امور فرهنگی

واحد تهران غرب

مصاحبه با آقای راجعین کارشناس پایگاه خدمات اجتماعی

با سلام و احترام؛

جناب آقای راجعین همانگونه که مستحضر هستید موضوع مورد بحث در نشریه مربوط به کودکان کار و خیابان است.

از جنابعالی خواهشمند هستیم، سؤالات مربوط به فعالیت‌ها، نحوه برخورد و زندگی کودکان کار و خیابان را برای آشنایی هرچه بیشتر با فرهنگ زندگی این کودکان برای خوانندگان نشریه پاسخگو باشید.

۱- هدف و یا دلیل کودکان کار از کار کردن چیست؟

از آنجا که اکثر این کودکان در خانواده‌های بی بضاعت و از هم گسیخته رشد می‌یابند، به منظور تأمین هزینه‌های زندگی خود و خانواده‌شان دست از زندگی کودکان خود برداشته و در نقش یک سرپرست به خانواده کمک می‌کنند.

۲- خانواده‌های این کودکان چه حمایت‌هایی از آنها انجام می‌دهند؟

به دلیل فقدان سرپرست در خانواده یا بدسرپرستی والدین، فقر اقتصادی، نداشتن تحصیلات و آگاهی و فقر فرهنگی اکثر این کودکان فاقد حمایت‌های خانواده هستند اما با این وجود، خانه و خانواده تنها مأمن و محیط آرامش و امید آنهاست.

۳- عموماً این بچه‌ها به چه کارهایی روی می‌آورند؟

دست‌فروشی، فال‌فروشی، پاک کردن ماشین‌ها، کار در کارگاه‌های آجرپزی،

کار در فروشگاه‌ها و کارخانه‌های صنعتی مختلف، کارهای کشاورزی، کار در دامداری و....

۴- اگر از لحاظ مالی تأمین شوند باز هم کار می‌کنند؟

مشکلات مالی و اقتصادی اگرچه مهم‌ترین مشکل این کودکان و خانواده‌های آنان می‌باشد اما تنها مشکل آنان نیست. چرا که زندگی در شرایط فقر اقتصادی و فرهنگی موجب آسیب‌های جدی

شناختی و روانی این کودکان گردیده و بازگرداندن آنها به زندگی عادی مانند سایر کودکان نیازمند مداخلات چند وجهی است.

۵- چه آسیب‌هایی از هر جهت ممکن است در کار ببینند؟

اساساً خیابان ناامن‌ترین مکان برای کودکان که از لحاظ آگاهی و رشد روانشناختی به بلوغ نرسیده‌اند می‌باشد. افتادن در دام انواع آسیب‌های اجتماعی نظیر اعتیاد، باندهای قاچاق انسان، سوءاستفاده‌های جنسی، بدرفتاری، گرفتار شدن در دام باندهای تبهکاری و ... در انتظار این کودکان است.

۶- در حال حاضر حدوداً چند کودک کار ثبت شده داریم؟

براساس آمارهای رسمی در تهران حدود ۲۰ هزار کودک کار وجود دارد. اما آمارهای واقعی می‌تواند بیش از این باشد.

۷- آیا مراکزی هستند که از این کودکان حمایت کنند؟

از نهادهای رسمی بهزیستی و کمیته امداد کمک‌های بسیار محدودی را به این کودکان و خانواده‌هایشان ارائه می‌دهند. برخی از NGOها نیز در این زمینه فعالیت می‌کنند اما این مداخلات به دلیل عدم یکپارچگی و محدود بودن پاسخگوی نیازهای این کودکان نمی‌باشد.

۸- این مراکز چند درصد از این بچه‌ها را می‌توانند تحت پوشش قرار دهند؟

با توجه به گستردگی پدیده کودک کار و نیز با توجه به روند روبه رشد این پدیده به دلیل تضعیف نهاد خانواده بر اثر طلاق، فقر و... نیازمند مشارکت بیش از پیش نهادهای دولتی و مردم جامعه در این زمینه هستیم.

۹- اگر مردم بخواهند به این بچه‌ها کمکی کنند چه راه‌هایی وجود دارد؟

برای کمک به این کودکان نیازمند کمک‌های مردمی و هم کمک‌های دولتی هستیم و تنها یک گروه نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای این کودکان باشد.

۱۰- سطح سواد و تحصیلات این کودکان عموماً به چه صورتی هست؟

اساساً این کودکان یا به مدرسه نرفته‌اند یا در سطح ابتدایی یا راهنمایی از تحصیل بازمانده‌اند و از این بابت آسیب‌های جدی آینده آنان را تهدید می‌کند.



که به منظور جبران ضعف‌ها و کمبودهای اساسی خانواده‌هایشان به امید ساختن زندگی وارد بازار کار می‌شوند. اما متأسفانه تضعیف اخلاقیات جامعه و نبود نظام حمایتی یکپارچه و مناسب آنها را از داشتن زندگی سالم باز می‌دارد. بنابراین آنان به دنبال گوش‌هایی هستند که صدای کوچک آنان را بشنود و دست آنها را بگیرد.

۱۱- آینده این کودکان چگونه رقم می‌خورد؟

با توجه به ورود این کودکان در سنین پایین به بازار کار و عدم تحصیل آنان، اکثر این کودکان از لحاظ شناختی، رشد چندان پیدای نمی‌کنند و از لحاظ پایگاه اقتصادی و اجتماعی نیز به سطوح پایین جامعه تعلق می‌گیرند و استعدادهایشان در زیر بار فقر مدفون می‌شود.



۱۲- در جامعه بهترین نحوه برخورد با این کودکان باید چگونه باشد؟

حمایت اجتماعی و روانی اولین و مهم‌ترین اقدام جامعه در قبال این کودکان است. نباید برخوردهای جامعه موجب گردد تا آسیب‌های مضاعف بر روح و روان این کودکان ایجاد شود.

۱۳- این کودکان در حال حاضر بیشتر به چه چیزهایی احتیاج دارند؟

- بازگشت به آغوش خانواده که مستلزم حمایت‌های همه جانبه از خانواده آنان است.

- بازگشت به تحصیل و مدرسه

- برخورداری از تفریحات سالم مانند سایر کودکان

- و از همه مهم‌تر عدم اشتغال آنان



۱۴- آیا این بچه‌ها دچار ناهنجاری‌های اجتماعی از جمله اعتیاد هستند؟

تعداد زیادی از این کودکان نادانسته و ناآگاهانه وارد باندهای فروش مواد بعنوان ساقی می‌شوند و اکثریت این کودکان در سنین پایین تجربه مصرف مواد را دارند.

۱۵- حرف دل این کودکان و خواسته‌هایشان از مردم و مسئولین چیست؟

این کودکان، بزرگسالان کوچکی هستند



نویسنده: امیر مسعود مددی
کارشناس اطلاع رسانی و مارکتینگ

تبلیغات مدرن در دنیای مجازی

در واقع، اطلاع رسانی و تبلیغات اینترنتی از همان سال‌های اولیه شکل‌گیری دنیای وب با نمایش آگهی‌های متنی و تصویری در برخی وبسایت‌های پربیننده شروع شد. در کنار نمایش‌های تحت وب، شیوه‌ی دیگر، ارسال ایمیل‌های تبلیغاتی گروهی ساده بود. اما تبلیغات اینترنتی با آغاز هزاره‌ی جدید و ورود شرکت‌های بزرگی چون میل‌جین، میل چیمپ، آی کانتکت و چند غول اطلاع‌رسانی و تبلیغاتی به دنیای تبلیغات آنلاین به تجارتی جدی تبدیل شد. ویژگی‌هایی از قبیل ارسال اطلاعات به صورت هدفمند و هوشمند در محدوده‌ی زمانی خاص، فراتر رفتن از محدوده‌ی جغرافیایی، انعطاف در طراحی و اجرا، امکان تعامل با مخاطب، امکان هدایت مخاطب به وبسایت هدف یا توضیحات بیشتر، امکان هدایت مخاطب به خرید کالا یا سرویس، امکان گزارش‌گیری از بازدیدکنندگان آگهی و چند مورد دیگر مجموعه‌ی عواملی است که اشتیاق برای ارائه تبلیغات در فضای آنلاین را افزایش داده است. با عنایت به توضیحات فوق، لزوم استفاده صحیح از امکانات وب، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به منظور اطلاع رسانی و تبلیغات بیش از پیش نمایان می‌گردد. لذا پهنه وسیع وب و قدرت نفوذ آن، مسئولیت بسیار سنگینی بر متولیان فرهنگی کشورها و نیز خود کاربران با هدف صیانت و حراست از فرهنگ آن کشور بر دوش آنان می‌گذارد. در ادامه، ابتدا به بررسی انواع شیوه‌های تبلیغاتی و یا اطلاع رسانی در دنیای مجازی می‌پردازیم تا با صورت‌های مختلف آن آشنایی بیشتری پیدا کنید و شیوه‌های

به قدرت و تأثیر شگرف دنیای مجازی نسبت به فضای محیطی پی خواهید برد. به طوری که هم اکنون گردش مالی آگهی‌های آنلاین در برخی کشورها از جمله آمریکا، انگلستان، ژاپن، چین و بسیاری از کشورهای دیگر از گردش مالی آگهی‌های مطبوعاتی بیشتر شده است. در ایران نیز اگر تا پنج شش سال پیش کمتر کسی حاضر به هزینه کردن برای تبلیغ محصول یا خدماتش روی اینترنت بود، اکنون بسیاری از وبسایت‌های پربیننده‌ی فارسی مملو از بنرهای تبلیغاتی هستند و برخی جایگاه‌های مربوط به نمایش آگهی‌شان از چند ماه قبل‌تر رزرو می‌شود.

در سال ۲۰۰۹ در آمریکا هزینه‌ی صرف شده در تبلیغات آنلاین ۲۲ میلیارد دلار در برابر ۲۷ میلیارد دلار برای تبلیغات روزنامه‌ها بود که این ارقام در سال ۲۰۱۰ به مقدار برابر ۲۵ میلیارد دلار رسیدند. سرانجام در سال ۲۰۱۱ بود که تبلیغات آنلاین از تبلیغات مطبوعاتی پیشی گرفت و نسبت ۲۸ به ۲۴ به نفع اینترنت بین آنها برقرار شد. در انگلستان نیز در سال ۲۰۱۱ تبلیغات اینترنتی با رسیدن به مبلغ ۲.۲۶ میلیارد پوند معادل ۲۷ درصد کل بازار تبلیغات، از تبلیغات تلویزیونی جلو افتاده است. گسترش ابزارهای اینترنتی و افزایش کاربران پتانسیل‌های بیشتری برای تبلیغات آنلاین فراهم آورده است. اگر زمانی تبلیغات اینترنتی به ارسال ایمیل و نمایش بنر محدود می‌شد اکنون روش‌های زیادی برای ارائه تبلیغ در فضای مجازی وجود دارد که در ادامه با برخی از آنها آشنا می‌شویم.

تبلیغات مدرن در دنیای مجازی، فرهنگ‌سازی و شیوه‌های صحیح استفاده از آن فضای مجازی پازلی است بسیار پیچیده که چیدمان قطعات این پازل به شیوه‌ای صحیح و هدفمند جهت نیل به مقصود از دشواری‌های خاصی برخوردار است و مهارت‌های مهم و قابل توجهی را می‌طلبد. نگاه و باور مناسب، نقش این پازل را به نفع ارزش‌های قابل قبول و اصیل انسانی و الهی تغییر خواهد داد. سال‌هاست که با رونق اینترنت و به طبع آن، شبکه‌های اجتماعی و سایر امکانات ارتباطی تحت وب، تبلیغات و اطلاع رسانی معنای جدیدی در فضایی جدید پیدا کرده است. گستره وب، به دلیل قدرت نفوذ بسیار بالا، وسعت جغرافیایی، سرعت در برقراری ارتباط با مخاطب و نیز جذابیت‌های بسیار زیاد نهفته در آن، عرصه مناسبی جهت ارائه نقطه نظرات، تبلیغات و اطلاع‌رسانی هدفمند می‌باشد. به قطع و یقین، این فضا با پتانسیل‌های منحصر بفرد خود و با قابلیت نفوذ بسیار بالا در کنار متصدیان اطلاع‌رسانی و تبلیغاتی منطبق با فرهنگ بومی هر کشور و در چهارچوب قوانین و شئون هر جامعه جولانگاه بسیاری از غرض ورزان و مهاجمان فرهنگی نیز می‌باشد. از این رو لزوم فرهنگ‌سازی در حوزه تبلیغات مجازی، بیش از پیش احساس می‌شود و این مهم نه تنها بر دوش مسئولین فرهنگ‌سازی یک کشور، بلکه به عهده تک تک کاربران حوزه وب در آن کشور می‌باشد. با نگاهی اجمالی بر انواع شیوه‌های تبلیغاتی محیطی و مجازی و مروری اندک بر آمار و ارقام، به آسانی

- صحیح اطلاع‌رسانی و تبلیغات را با دید وسیع‌تری مورد ارزیابی قرار دهید.
- تبلیغات بنری
- تبلیغات متنی
- تبلیغات در نتایج جست‌وجو
- تبلیغات پاپ‌آپ
- تبلیغات آویزان
- تبلیغات زمینه‌ای
- تبلیغات ویدئویی
- خبر و آگهی‌های آنلاین
- تبلیغات بینابینی
- اسپانسرینگ (حمایت از وبسایت‌ها)
- پادکست‌ها، بازی‌های رایانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی
- تبلیغات و اطلاع‌رسانی ایمیلی
- اکنون به اجمال مروری بر شیوه اجرایی صحیح اطلاع‌رسانی و تبلیغات در فضای مجازی می‌پردازیم.
- در فضا سازی تبلیغاتی و یا هر گونه اطلاع‌رسانی به چند مورد بسیار قابل توجه در حوزه طراحی و اجرا باید دقت نمود.
۱. رعایت شریعت و قوانین داخلی کشور
 ۲. در نظر گرفتن فرهنگ عامه
 ۳. هدف‌گیری صحیح مخاطبین
 ۴. تعیین نوع و شیوه تبلیغات (با قابلیت دریافت بازخورد)
 ۵. طراحی کمپینی زیبا، جذاب و هدفمند (نقشه راه)
۶. ایجاد محتوای ارزنده (خلاصه در عین حال پر معنا و تأثیر گذار)
۷. نظارت نهایی بر کمپین قبل از اجرای آن
۸. اجرای کمپین در کوتاه‌ترین زمان ممکن
۹. دریافت گزارش کامل عملکرد کمپین و بازخورد آن در میان مخاطبین هدف
۱۰. تحلیل گزارشات دریافتی به منظور بهینه‌سازی و تعیین نقشه راه برای فعالیت‌های بعدی
- در شماره بعدی، به تفصیل در خصوص انواع شیوه های تبلیغات و اطلاع‌رسانی، همچنین فرهنگ صحیح استفاده از این شیوه‌ها در فضای وب و نیز چگونگی اجرای صحیح و هدفمند یک کمپین خواهیم پرداخت.



دلم برای کودکیم تنگ شده....

برای روزهایی که باور ساده‌ای داشتم

همه آدم‌ها را دوست داشتم...

مرگ مادر «کوزت» را باور می‌کردم و از زن «تناردیه» کینه به دل می‌گرفتم

مادرم که می‌رفت به این فکر بودم که مثل مادر «هاچ» گم نشود...

دلم می‌خواست «مُل» را پیدا کنم

از نجاری‌ها که می‌گذشتم گوشه چشمی به دنبال «وروجک» می‌گشتم

تمام حسرت‌م از دنیا نوشتن با خودکار بود

دلم برای خدا تنگ شده ...

خدایی که شب‌ها بوسه بارانش می‌کردم...

دلم برای کودکیم تنگ شده ...

شاید یک روز در کوچه بازار فریب دست من ول شد و او رفت...



دکتر محمدجلیل آل‌امین
دانش‌آموخته دکتری فلسفه

فلسفه همدلی در روابط بین فرهنگی

۲۰

فرهنگ محصول «انسان اجتماعی» است. تردیدی نیست که انسان، سازنده فرهنگ است، اگر انسانی نباشد، فرهنگی هم در نگره‌ی هستی شناختی، تقرر نخواهد داشت. زمانی که انسان‌ها در تعامل با یکدیگر، جامعه و فرهنگ را ساختند، رابطه بین انسان و فرهنگ، رابطه‌ای متقابل، متعامل و دو سویه خواهد شد. به بیان دیگر هم انسان، فرهنگ را می‌سازد و هم فرهنگ، انسان‌ساز می‌شود. هم انسان فرهنگ را تخریب می‌کند، هم فرهنگ مخرب انسان می‌شود. در چنین فضایی تبادل و تهاجم فرهنگی هم معنادار می‌شود. بنابراین فرهنگ تجلی بینش و کنش انسان‌ها با انسان‌ها می‌شوند تبلور فرهنگ خویشتن. این انعکاس متقابل انسان و فرهنگ در یکدیگر، سبب می‌شود برای شناخت یک طرف، به شناخت طرف دیگر هم واقف گردیم و همچنین باعث می‌شود برای شناخت یک طرف، ملزم به شناخت طرف دیگر هم باشیم. به تعبیر فلسفی می‌توان گفت «فرهنگ»، دامنه حضور و گسترش انسان است. انسان اگر بخواهد و بتواند بدون هیچ فرهنگی زیست کند، در واقع انسانی است که دامنه حضور و گسترش وجودی خویش را منقطع کرده است. انسان اجتماعی که از مناشی بنیادین انسان فرهنگی است، عنصر اصلی سازنده کنش اجتماعی است. این انسان، سازنده شبکه معنایی در روابط انسانی است، در این صورت، حیات جمعی انسان‌ها در حوزه فرهنگ معنایی می‌شود و تحول می‌یابد. بهترین شرایط زیست برای انسان اجتماعی، غلبه عناصر فرهنگی بر دیگر عناصر است. امتیاز انسان نسبت به اغیار، در همین وجه وجودی فرهنگی اوست. محتوای زندگی اجتماعی انسان، از نگره‌ی فرهنگی، بیشتر دارای معناست تا از نگره‌ی نیازهای زیست‌شناختی؛ چرا که نیازهای زیست‌شناختی، نیازهای آغازین انسان هستند؛ به عبارت دیگر، نیازهای زیستی تا به نیازهای فرهنگی تبدیل نشوند، حیث انسانی نخواهند داشت. این نگاه، در سطح کلان، ملی و بین‌المللی نیز صادق است؛ زیرا بقای روابط کلان بین ملت‌ها هرگز نمی‌تواند با توسل به نیازهای زیست‌شناختی، استمرار یابد؛ ولی همدلی، همدردی و تعامل فرهنگی می‌تواند بقای دوام یافته‌ای را بین دولت‌ها و ملت‌ها خلق کند که معلول زیست فرهنگی دولت‌ها و ملت‌ها در تعامل با یکدیگر است. با وجود این، جامعه بشری بر اساس دوگانگی ساختاری طراحی شده است؛ دوگانگی‌ای که یک سوی آن، نیاز انسانی برای ارتباط و پیوستگی آدمیان در فضای انسانی - فرهنگی است و از سوی دیگر، سلطه‌طلبی دولت‌ها، طبقات و گروه‌ها برای رجحان تقدم بخشیدن به نیازهای زیستی است. این درد جامعه بشری است که ماکس وبر از آن به برتری ارزش‌های تکنیکی بر ارزش‌های انسانی یاد می‌کند و زیمل آن را فاصله گرفتن فرهنگ معنوی از فرهنگ مادی می‌داند و از آن با عنوان «تراژدی فرهنگ» یاد می‌کند. با استفاده از دو رویکرد دو متفکر، می‌توان مدعی شد که شکل امروز وضع بشری در تعارض میان ارزش‌های انسانی و ارزش‌های زیستی است. هر چند در تفاوت نیازهای زیستی و زندگی فرهنگی، نابرابری دولت‌ها، ملت‌ها و تمدن‌ها اصل درستی است،

اما امروزه نیازهای فرهنگی و اجتماعی، محور حیات جمعی است و این همان فلسفه‌ی فرهنگ همدلی است و هویت انسان‌ها و ملت‌ها با توجه به عناصر فرهنگی‌شان تعریف می‌شود. از این روست که برای حفظ انسان و جامعه باید بیش از نیازهای زیست مادی به بقای روابط فرهنگی با ابتدای بر همدلی و همیاری، التفات داشت و تلاش کرد تا وجوه مشترک انسانی - فرهنگی در جوامع شناسایی شود. محصول این رویکرد، دنیایی خواهد بود که با حفظ تفاوت‌هایی تاریخی، اقتصادی و تمدنی، بر اساس رقابت و پیوستگی انسان

فرهنگی بر مبنای همدلی و همدردی شکل گرفته است. همدلی و همدردی اجتماعی با تأکید بر چند اصل مطرح شده است که طرح آنها در فهم بیشتر ادعای مطرح شده در این نوشتار مفید است:

۱. محوریت درک و فهم انسانی در جهت‌گیری تمدنی
۲. اهمیت دادن به دیگری و تقدم دیگری بر خود
۳. شکل‌گیری هویت فردی در فرایند به رسمیت شناختن هویت دیگری
۴. توجه به موقعیت‌ها و داوری در مورد خود و دیگری بر اساس موقعیت‌ها. نیست.

این چهار اصل به انسان کمک می‌کند تا به طراحی شبکه روابط اجتماعی تعاملی، دست یابد که در آن «کرامت انسانی» محوریت و مرکزیت داشته باشد. انسان محور قرار گرفته، به این اصل باور خواهد داشت که بیان هویت او بدون درک دقیق و ملاحظه موقعیت دیگری (فرد یا تمدن دیگری) امکان‌پذیر نیست.

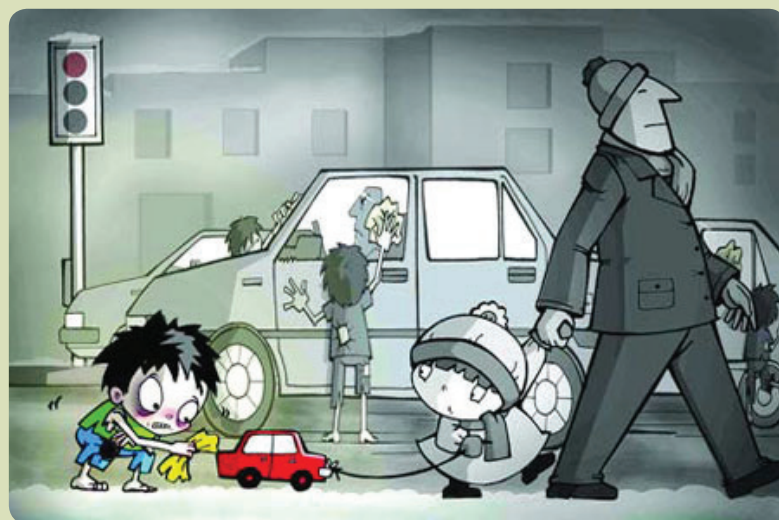
به عبارت دیگر، فهم خود، بدون فهم دیگری و فهم دیگری بدون توجه به موقعیت‌ها امکان‌پذیر نیست.

تابلو، نقاش را ثروتمند کرد.

شعر شاعر به چند زبان ترجمه شد.

کارگردان، جایزه‌ها را درو کرد.

و هنوز سر همان چهار راه، واکس می‌زند کودکی که بهترین سوژه شد!





نویسنده: پروانه سادات سلیمانی
دانشجوی کارشناسی ارشد
مدیریت امور فرهنگی

چگونگی همدلی در جامعه با کودکان

و دوجانبه‌گرایی، به کارگیری واژه‌های موهن، هتاک و یا تمسخرآمیز نسبت به هم حتی در قالب لطیفه‌های قومی و... از جمله موانع برقراری هرگونه همدلی و حس مشارکت‌پذیری میان افراد جامعه به حساب می‌آید.

در این راه، طبیعی است که به کارگیری هدفمند رسانه‌های دیداری، شنیداری و ارتباط جمعی به خصوص صدا و سیما، در کنار آموزش‌های تخصصی مدیران و متولیان مربوطه از اهمیت زیادی برخوردار است. بهره‌گیری از ابزار و تکنولوژی چند رسانه‌ای، فضاهای مجازی و سایریری، می‌تواند حوزه فعالیت و میدان عملیات این پیام را بسیار گسترده‌تر نماید. همچنین استفاده از محیط‌های تبلیغی سطح شهرها اعم از میدان‌ها، چهار راه‌ها، نقاط پر رفت و آمد و خیابان‌های اصلی، اماکن عمومی، وسایل و جایگاه‌های حمل و نقل عمومی همچون ایستگاه‌های مترو، قطارهای شهری، اتوبوس‌های درون‌شهری، تاکسی و نیز تبلیغات جهت‌دار در میدان‌های ورزشی، بوستان‌ها و پارک‌ها، مجتمع‌های فرهنگی و تجاری و اقتصادی و خدماتی و... در ترویج فرهنگ همدلی اثرگذار بوده و شایسته است از این فضاهای تبلیغی به نحو احسن و مطلوب بهره‌برداری شود.

امروزه، نهادینه‌سازی فرهنگ همدلی میان دولت و ملت، افزایش آستانه تحمل دولتمردان و عموم مردم، هم‌صدایی و هم‌گرایی برای حل مشکلات، تقویت شور، نشاط، امید، پویایی و انگیزه عمومی و گسترش روحیه وحدت و انسجام ملی ضرورت‌های غیر قابل انکاری هستند که باید مورد توجه همه علاقه‌مندان به ایران و ایرانی قرار گیرد.

در راستای ارایه راهکارهایی برای اجرایی کردن فرهنگ همدلی، در آغاز لازم است با اقدام‌های اعتمادساز، به فرد فرد جامعه حس اعتماد و حسن نیت مسئولان مربوطه القاء شود تا بستری فراهم آید که در پی آن، یکایک مردم در نیل به هرگونه هدف اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، هنری و خود را سهیم بدانند. رسیدن به همدلی، ملزوماتی دارد که با تحقق آن‌ها، منوط به برخورداری منتقدان از نگرش‌های کارشناسی‌تر و در کنار آن، برخورداری دولت از مشاوران و مدیران جامع‌اندیش‌تر، راه برای به انجام رسیدن اهداف مورد نظر هموارتر می‌گردد.

پیاده‌سازی عدالت میان همه مناطق جغرافیایی، نژادی، قومی و مذهبی، پایبندی به قانون، توقف روند تقسیم مردم و مسئولان میانی به دو دسته خودی و غیر خودی، کمک به تبدیل مخالفان به منتقدان و تبدیل منتقدان به پشتیبانان، توسعه مشارکت مردم در برنامه‌ها، افزایش اعتماد به نفس کارگزاران و مدیران اجرایی، ترویج مثبت‌اندیشی و کاهش منفی‌نگری و مسایلی از این دست، می‌تواند به افزایش میزان رضایت‌مندی عمومی جامعه از کارکرد مسئولان و در ادامه، افزایش اعتماد متقابل جامعه و حکومت به یکدیگر شده، به گسترش یکپارچگی معنوی کشور منجر شده، انرژی‌های پتانسیل نهفته در متن مردم را فعال کند.

سیاه‌بینی و سیاه‌نمایی، سوءظن‌های جناحی، ترجیح دادن منافع شخصی و حزبی و جناحی به منافع ملی، عدم تمیز و درک درست نسبت به مصالح عالیه کشور، عدم درک درست فعل و انفعالات درونی و برونی، مرزبندی‌های مجازی و تبدیل جناح‌های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی به گروه‌های فشار، دو پهلوی

برای به ثمر نشستن هر گونه فعالیت در جامعه، به یقین هیچ پشتوانه‌ای محکم‌تر از عنصر مردمی نیست. برگ برنده در پیشبرد اهداف ملی، حضور حمایت‌گراانه مردم و مشارکت در متن برنامه‌ها است. شرط اصلی تحقق آرزوهای به نظر دست‌نیافتنی بزرگان در هر زمینه، بی‌شک همدلی و به تبع آن هم‌زبانی و صد البته همکاری صمیمانه و متقابل میان دو مؤلفه اثرگذار یعنی حکومت و جامعه است و این مهم، جز با تقویت فرهنگ همدلی به دست نخواهد آمد. داشتن برخوردی واقع‌گرایانه و پرهیز از برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های احساسی، باعث وارد آمدن آسیب‌های جدی به اصل موضوع و اهداف مهم ترسیم شده، خواهد بود.

گاهی فضای عمومی جامعه به سمتی حرکت می‌کند که هر گونه انتقاد و اظهار نظر نسبت به اقدامات و سیاست گذاری‌های دولت به معنای مخالفت تمام قد با دولت تلقی می‌شود. برخی اوقات نیز، تمامی سیاست‌ها و عملکردهای دولت، بدون رعایت حداقل شاخص‌های نقد منصفانه و سازنده، بی‌مهابا و نسنجیده، آنچنان مورد هجمه شدید انتقادات قرار می‌گیرند که بوی تسویه حساب‌های سیاسی و منافع حزبی و جناحی از آن به مشام می‌رسد. از این روی، بهتر است با رعایت ویژگی‌های نقد دلسوزانه، علمی و مبتنی بر عقلانیت و سازندگی و با هدف حل بیشتر مشکلات، افزون بر انجام وظیفه ملی خود، اصل دولت و بنیان آن را مورد هجمه قرار نداده، با تبیین و شفاف‌سازی عملکردهای مثبت و سازنده در بخش‌های گوناگون و فارغ از هرگونه گروه‌بندی، آگاهانه و هدفمند به دنبال دستیابی به اصل همدلی میان مردم و حکومت باشیم.



بزهکاری را بالا می‌برند و احتمال اینکه یک کودک کار بزهکار شود بسیار بیشتر از یک کودک عادی، بدسرپرست و حتی محروم است. حال آنکه این کودکان زمان فعالیتشان را به سمت ساعات پایانی شب برده‌اند تا شهرداری نتواند جمع‌آوری‌شان کند. مسئول واحد اجتماعی موسسه‌ی فرمند گفت: متأسفانه کودکانی هستند که شغلشان جمع‌آوری بازیافت است، دستفروش هستند یا قالی می‌بافند و به نوعی کارفرما دارند و اگر مردم از آن‌ها خرید نکنند کارفرما آن‌ها را اخراج می‌کند.

پیرهادی با بیان اینکه کمک به این کودکان باید از طریق ارگان‌هایی مانند بهزیستی و شهرداری و ریشه‌ای باشد، ادامه داد: چندین برنامه برای این کودکان وجود داشته اما بهزیستی علاوه بر مشکلات سازمانی و برای استخدام کارشناسان و متخصصان با کمبود بودجه روبه‌رو است.

وی اظهار کرد: شهرداری این کودکان را جمع‌آوری می‌کند، اورژانس اجتماعی آن‌ها را به مرکز نگهداری منتقل می‌کند، اما از آنجا رها می‌شوند و دوباره به کار خود ادامه می‌دهند. در این مراکز هیچ اقدامی برای این کودکان حتی در حد یک آموزش ساده یا علت‌یابی تکدی‌گری‌شان انجام نمی‌شود، حتی انتقال این کودکان به این مراکز بر روحیه آن‌ها تأثیر منفی می‌گذارد.

مسئول واحد اجتماعی موسسه فرمند اصفهان گفت: کودکی که بیش از سه ساعت در خیابان سرگردان باشد، یک کودک آسیب دیده محسوب می‌شود. شبنم پیرهادی در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، منطقه اصفهان، با بیان اینکه مردم به این کودکان بدبین هستند، اظهار کرد: مردم به گونه‌ای رفتار می‌کنند که انگار این کودکان از آن‌ها سوءاستفاده می‌کنند حتی افرادی که برای کمک به مرکز ما مراجعه می‌کنند این دید را دارند که کودکان کار عضو تیم‌های مافیایی هستند و اشخاصی آن‌ها را دزدیده و آموزش داده‌اند.

پیرهادی با بیان اینکه متأسفانه نخستین مشکل این کودکان محیط نا امن کار است، تصریح کرد: عقده حقارت، مشکلات روانی و برخورد مردم مشکلاتی است که این کودکان به ویژه دختران با آن روبه‌رو هستند و کودکی که بیش از سه ساعت در خیابان سرگردان باشد، یک کودک آسیب دیده محسوب می‌شود.

وی با اشاره به اینکه یکی از مشکلاتی که این کودکان برای جامعه ایجاد می‌کنند، ایجاد بی‌نظمی در شهرها است، اضافه کرد: کودکان کار آمار

وی افزود: آمار کودکان مافیایی کار در ایران بسیار پایین و بیشتر کودکان کار کشور در خانواده زندگی می‌کنند و نخستین مشکل آن‌ها واقعا اقتصادی و پس از آن مهاجرت است.

مسئول واحد اجتماعی موسسه فرمند



تنظیم و گردآوری: اعظم طالبی حقگو
کارشناس ارشد مدیریت امور فرهنگی

کودکان خیابانی از منظر ایران و جهان

خیابان از مهاجرینی هستند که خود دو گروه را تشکیل می‌دهند. مهاجرینی از شهرستان به تهران و مهاجرینی خارج از کشور به ایران (عراقی‌ها و افغانی‌ها). بقیه بچه‌های خیابان به علت فقر خانوادگی در خیابان‌ها مشغول به کار هستند و گروهی دیگر به دلیل شرایط ناپه‌نجار خانوادگی و اختلافات شدید از خانواده فرار کرده‌اند و چون جایی برای خواب ندارند به پارک‌ها و میادین، خانه‌های متروک و زیر پل‌ها پناه می‌برند.

- بر طبق نتایج پژوهشی که دکتر سید حسن حسینی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۱ با همکاری دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی بر روی وضعیت کودکان خیابانی در ایران و سایر کشورها و راهکارهای اجرایی و مداخله گرانه انجام داده است ۹۵ درصد کودکان خیابانی از جنس پسر هستند و ۹۰ درصد کودکان خیابانی با پدر و مادر زندگی می‌کنند که در اکثر موارد والدین آنها بی‌سوادند و تعداد اعضای خانواده‌شان از ۵ تا ۱۰ نفر متغیر بوده و میانگین آن ۸ نفر است. ۸۰ درصد خانواده آنها مهاجر هستند که ۴۴ درصد از روستاها و شهرهای دیگر و ۳۶ درصد مهاجران افغانی هستند.

- دکتر فاطمه قاسم زاده در تحقیقی که در سال ۸۰ با همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی بر روی ۵۸۵ نفر از کودکان کار خیابانی انجام گرفت، به این نتایج دست یافت: در زمینه رشد اجتماعی، ۸۰ درصد این کودکان دچار پرخاشگری و خشونت، ۵۰ درصد آنها به سرقت، ۴۱ درصد خرید و فروش مواد مخدر، ۸۵ درصد تخریب اموال عمومی، ۵۴ درصد بی‌توجهی به حقوق دیگران و مشکل در برقراری ارتباط و همچنین ۵۵ درصد این کودکان نیز به بزهکاری تمایل داشته‌اند. در این کودکان حس حسادت، انتقام جویی و خصومت، بی‌ثباتی و

هستند که به همراه خانواده خود در خیابان زندگی و کار می‌کنند. وضعیت آنها با فقر گره خورده است. در هندوستان به آنها «ساکنین پیاده رو» گفته می‌شود و در آمریکا آنان کودکان خانواده‌های بی‌خانمان هستند.

۴- گروه آخر کودکانی هستند که تماس خود را با خانواده قطع کرده‌اند. آنها تمام وقت خود را در خیابان می‌گذرانند و کودکان خیابانی «واقعی» هستند.

تعریف سازمان ملل متحد از کودکان خیابانی: «پسر یا دختری که خیابان (و همچنین ساختمان‌ها و زمین‌های متروکه)، خانه و محل زندگی او شده است و تحت حمایت و نظارت کافی بزرگسالان مسؤول قرار ندارد».

سازمان بهزیستی کشور، کودکان خیابانی را اینگونه تعریف می‌کند:

«کودکان خیابانی به افراد زیر ۱۸ سال (اعم از دختر و پسر) اطلاق می‌گردد که در شهرهای بزرگ برای ادامه بقا خود مجبور به کار یا زندگی در خیابان هستند».

تحقیقات در مورد کودکان خیابانی ایران

دلایل زیادی برای کار و زندگی کودکان در خیابان وجود دارد. برخی از این علل اینهاست: فقر، از هم پاشیدگی خانواده، سوء مصرف مواد و الکل توسط والدین، کودک آزاری، نیاز به درآمد کار کودک، طرد کردن کودک، قحطی و بلایای طبیعی، از دست دادن والدین به سبب حوادث، بیماری، ایدز، مهاجرت و ...

- در سال ۱۳۷۷ مطالعه‌ای توسط یونسف بر روی کودکان خیابانی تهران صورت گرفته است. بر اساس این پژوهش، مهاجرت، تعداد زیاد افراد خانواده، از هم پاشیدگی خانواده، آزارهای جسمی و روانی در خانواده، بی‌سوادی والدین و فقدان مهارت‌های حرفه‌ای والدین از فاکتورهای مرتبط با حضور کودکان در خیابان‌ها است. بر اساس این مطالعه ۶۰ درصد بچه‌های

تعریف روشنی از کودکان خیابانی وجود ندارد. مثلاً نمی‌توان گفت همه کودکانی که در خیابان هستند بی‌خانمان هستند. اکثریت عمده آنها یعنی بیش از سه چهارم تا ۹۰٪ از این کودکان در کشورهای مختلف در حال رشد در خیابان کار می‌کنند اما در خانه زندگی می‌کنند و نان‌آور خانه هستند. «کودکان خیابانی» اصطلاحی است که اغلب هم برای توصیف «کودکان کار» و هم کودکان بی‌خانمانی که در خیابان زندگی می‌کنند و می‌خواهند و اغلب هیچ تماسی با خانواده شان ندارند اطلاق می‌شود. گروه دوم در معرض بیشترین خطرات هستند. به قتل رسیدن، کودک آزاری‌های مکرر و برخوردهای بی‌رحمانه غیر انسانی با این کودکان که سن شان بین ۵ تا ۱۸ سال است، امری رایج است. آنان گاهی برای زنده ماندن به دزدی و فحشاء دست می‌زنند. این کودکان آسیب‌پذیری زیادی در مقابل بیماریهای مقاربتی مانند ایدز دارند. [در کشورهای دیگر] تخمین زده می‌شود که ۹۰٪ از آنان معتاد به مواد استنشاقی مانند چسب کفش و تینر رنگ هستند که باعث آسیب به کلیه و صدمات جبران‌ناپذیر مغزی و در برخی موارد مرگ می‌شود.

در مورد تعریف کودکان خیابانی «لاسک» (۱۹۹۲) ۴ گروه از کودکانی که در خیابان می‌توان دید را تعریف می‌کند. هر گروه ویژگی‌های خود را دارد:

۱- گروه اول کودکان فقیری هستند که شب‌ها به خانه‌شان برمی‌گردند. آنها احتمال دارد که به مدرسه بروند و بزهکار نباشند.

۲- کودکان کارگر خیابانی که نسبتاً مستقل‌اند. پیوندهای آنها با خانه در شرف از هم گسستن است و حضور آنها در مدرسه در حال خاتمه دادن است و بزهکاری آنها دارد شروع می‌شود.

۳- گروه سوم کودکان خانواده‌های خیابانی

بی‌قراری، بی‌اعتمادی به دیگران، بدبینی و منفی‌گرایی، افسردگی، اضطراب، احساس ناامنی و ترس به وفور دیده می‌شود. ۸۰ درصد این کودکان دچار کاهش قد، ۸۶ درصد کاهش وزن، ۷۷ درصد بیماری‌های دهان و دندان، ۷۳ درصد بیماری‌های چشم، ۶۱ درصد بیماری‌های دستگاه تنفسی، ۶۴ درصد بیماری‌های قلبی، ۶۰ درصد بیماری‌های گوش و حلق و بینی، ۸۲ درصد بیماری‌های پوست و ۶۰ درصد دارای بیماری‌های دستگاه گوارشی هستند. وی با بیان اینکه ۵۶ درصد این کودکان بی سواد هستند، اظهار داشت: ۳۲ درصد دچار مشکل کمبود حافظه، ۳۰ درصد مشکلات یادگیری، ۶۱ درصد کمبود خفیف ذهنی، ۲۱ درصد کمبود کنجکاوی، ۶۴ درصد کمبود شناخت محیط و ۶۱ درصد دارای مشکلات گفتاری هستند.

کودکان کار

هر ساله درصدی از کودکان به دلایل مختلف ترک تحصیل می‌کنند و به کارهایی مانند واکس‌زنی، پاک کردن شیشه ماشین، فال‌فروشی، بادکنک‌فروشی، آدامس‌فروشی، جمع‌آوری نان خشک و وسایل فلزی در زباله‌ها و دعا‌فروشی در سر چهار راه‌ها، بازارها و یا مکان‌های شلوغ و پر ترافیک می‌پردازند و ساعت‌هایی طولانی در معرض آلودگی‌های اجتماعی قرار می‌گیرند.

آمار جهانی کودکان کار

«صندوق جهانی کودکان سازمان ملل متحد» (یونسف) تخمین می‌زند که در کشورهای جهان به ویژه کشورهای در حال رشد، ۲۵۰ میلیون کودک بین سنین ۵ تا ۱۴ سال کار می‌کنند. حدود ۱۲۰ میلیون از این کودکان زیر سن ۱۵ سال، به صورت تمام وقت کار می‌کنند و ۱۳۰ میلیون کودک دیگر به صورت پاره‌وقت کار می‌کنند. بر طبق تخمین‌های جدید ILO (سازمان بین‌المللی کار) نیز ۲۱۸ میلیون کودک کار در سنین ۵ تا ۱۷ سال در کشورهای در حال توسعه وجود دارند. از این تعداد ۱۲۲،۳ میلیون کودک در منطقه آسیا و پاسیفیک زندگی می‌کنند. ۴۹،۳ میلیون نفر در آفریقا و ۵،۷ میلیون کودک در امریکای لاتین و کارائیب کار می‌کنند.

شمار کودکانی که در کارهای دشوار کار می‌کنند و آنها را بدترین اشکال کار کودک می‌نامند، در سال ۲۰۰۶، ۱۲۶ میلیون نفر بود. اکثر کودکان کار (۷۰٪) درگیر کارهای کشاورزی هستند در حالی که فقط ۹٪ در کارهای صنعتی اشتغال دارند، همچنین در کشورهای آنگولا، برمه، کلمبیا، کنگو، لیبیا، سودان و اوگاندا گاهی از کودکان در درگیری‌های نظامی استفاده می‌شود.

در ایران بر اساس آمارهای رسمی، ۳۸۰ هزار کودک ۱۰ تا ۱۴ ساله در سراسر کشور کار ثابت دارند و حدود ۳۷۰ هزار کودک در همین سن به عنوان کارگر فصلی مشغول به کارند. یعنی در ایران رسماً بیش از ۷۰۰ هزار کودک کار می‌کنند (روزنامه‌ی ایران، ۲۹/دی/۱۳۸۳). البته در ۲۹ فروردین ۱۳۸۶ در صدای جمهوری اسلامی ایران تعداد کودکان کار ۷ میلیون نفر اعلام شد که احتمالاً به اشتباه یک صفر اضافه ذکر شده است!

آئین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی: به منظور ارائه حمایت‌های اجتماعی، توانمندسازی اجتماعی و آموزش فنی و حرفه‌ای و مهارت‌های زندگی به کودکان خیابانی بنا به پیشنهاد وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، در هیأت دولت به شماره ۳۲۳۸۶/۲۲۷۱۷ ه - مورخه ۱۳۸۴/۰۵/۰۴ تصویب و جهت اجرا ابلاغ شده است. این آیین‌نامه در پنج فصل و دوازده ماده تدوین گردیده است و در حال حاضر اختصاصی‌ترین مصوبه در خصوص کودکان خیابانی و در بالاترین سطح قانونی می‌باشد. بر اساس این مصوبه وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت بهداشت، سازمان بیمه خدمات درمانی، شهرداری، نیروی انتظامی، دادگستری، وزارت آموزش و پرورش و کمیته امداد امام، موظف به همکاری در خصوص کودکان خیابانی شده‌اند. این آئین‌نامه سازمان بهزیستی کشور را موظف کرده است که با همکاری و مشارکت شهرداری، انجمن‌های خیریه، تشکلهای غیردولتی و نیروی انتظامی و با استفاده از مددکاران اجتماعی در قالب تیم تخصصی سیار یا مستقر در مراکز که با همکاری شهرداری‌ها سازماندهی می‌شوند، نسبت به شناسایی، جذب، پذیرش و توانمندسازی کودکان خیابانی در کلیه مراکز استان‌ها و

در صورت لزوم در شهرهای بالای ۲۰۰ هزار نفر جهت حضور کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت کودکان خیابانی در مراکز اقامت سه سطح اقدام کند.

براساس این آئین‌نامه اقامت کوتاه مدت به حضور کودک خیابانی در مرکز اقامت حداکثر به مدت ۲۱ روز، اقامت میان‌مدت بیشتر از ۲۱ روز تا پایان یک سال و اقامت درازمدت شامل حضور کودک خیابانی بی‌سرپرست و یا بدسرپرست در مراکز شبانه‌روزی تا پایان ۱۸ سالگی مطابق با آئین‌نامه مراکز شبانه‌روزی سازمان بهزیستی است. وزارت رفاه نیز هماهنگی اجرایی این آئین‌نامه را بر عهده خواهد داشت و هر ۶ ماه یک بار گزارش‌ها و اقدامات انجام یافته را تحلیل و جمع‌بندی و به شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی ارائه می‌کند.

با توجه به تعاریف و بحث‌های صورت گرفته می‌توانیم این سوالات را از دولت و تمام کسانی که برای این ملت تصمیم می‌گیرند پرسید؟

۱- آیا تاکنون اقدام جدی برای ساماندهی کودکان کار صورت گرفته است؟
۲- چه میزان کشور ما ایران مخصوصاً بزرگان پایتخت برای ساماندهی کودکان کار موفق بوده‌اند؟
۳- چرا باید در کشوری که سرمایه ملی زیادی دارد و کشوری اسلامی و حامی تمام کودکان بر حسب دین و ملیت است تعداد زیادی آمار کودکان خیابانی و کار را به خود نسبت دهد؟
۴- چرا با کودکان ما ابزاری برخورد می‌گردد؟
۵- چرا دولت و کشور ما بیش از هر

کشور دیگر باید برای کودکان فلسطین، لبنان و کشورهایی که کودکانشان تحت ظلم و فشار روحی، عاطفی، آموزشی و غذایی قرار می‌گیرند؛ دست یاری و کمک و دلسوزی دراز کند، ولی متأسفانه از کودکان و نوجوانان خود این مملکت کمتر حمایت شود و بیشتر در معرض آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی، تعارض و تجاوز قرار گیرند؟ چه کسی باید پاسخگو باشد؟



قانون درمورد کودکان کار چه می گوید؟

۱۳۹۴/۴/۱۴ به پیشنهاد وزارتخانه‌های تعاون، کار و رفاه اجتماعی، دادگستری به استناد ماده ۳۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲، آئین‌نامه‌ای را تصویب کردند که طبق آن تا زمان تکمیل تحقیقات اولیه و طی مراحل قانونی توسط مراجع ذیصلاح، کودک یا نوجوان با معرفی دادگاه صالح توسط سازمان بهزیستی کشور نگهداری خواهد شد. متقاضی یا متقاضیان سرپرستی باید متعهد شوند تمامی هزینه‌های مربوط به نگهداری و تربیت افراد تحت سرپرستی را حین سرپرستی و پس از فوت تا تعیین سرپرست جدید تأمین می‌نماید. سرپرست یا سرپرستان موظفند با نظر سازمان خود نزد یکی از شرکت‌های بیمه به نفع کودک یا نوجوان تحت سرپرستی را بیمه کنند.

افرادی که بنا به دلایلی موجه یا تحت شرایط خاص سرپرستی کودک یا نوجوانی را حداقل یک سال پس از سپردن به سازمان بهزیستی کشور عهده‌دار بوده‌اند در صورتی که متقاضی سرپرستی و واجد شرایط مقرر در قانون برای سرپرستی باشند در صورت اثبات دلایل موجه با شرایط خاص نزد دادگاه صالح نسبت به سرپرستی کودک یا نوجوان تقدم دارد. در صورت فوت سرپرست منحصر یا سرپرستان افراد تحت سرپرستی در حکم افراد تحت تکفل متوفی محسوب گردیده و صندوق بازنشستگی ذی‌ربط موظف است تا تعیین سرپرست جدید نسبت به برقراری و پرداخت مزایای مستمری وظیفه بازماندگان به افراد تحت سرپرستی اقدام نمایند.

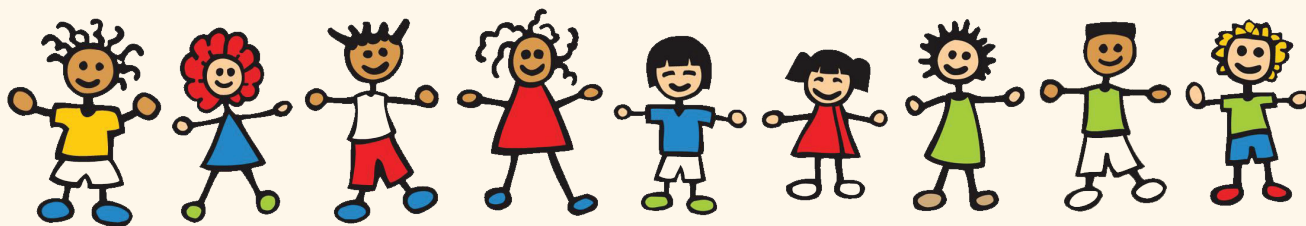
سازمان مؤلف در صورت بروز هرگونه اختلال در روند سرپرستی کودک یا نوجوان مداخلات تخصصی نموده و بنابر مصلحت و ارائه گزارش تقاضا، حکم سرپرستی را از دادگاه صالح درخواست نماید و نظارت بر احسن اجرای این آئین‌نامه و نیز نظارت بر وضعیت کودک یا نوجوان در خانواده، در داخل کشور برعهده سازمان بهزیستی و در خارج از کشور به‌لحاظ قوانین و مقررات حاکم بر عهده سفارتخانه‌ها، سرکنسولگری‌ها و یا دفاتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی ایران است.



کودکان کار پدیده‌ی مهمی هستند که در سال‌های گذشته بیش از پیش جوامع را درگیر خود کرده است؛ و علاوه بر ابعاد اجتماعی دارای جنبه‌های حقوقی نیز است. در طی سالیان اخیر به کارگیری کودکان در شغل‌های مختلف پررنگ‌تر شده است. کنوانسیون کودک، افراد زیر ۱۸ سال را کودک اعلام کرده‌اند و اگر این سن برای به کارگیری کودک لحاظ نشود، آزار تلقی می‌شود و مجازات تعیین شده است. در ایران قانون به دو صورت به این موضوع نگاه کرده است.

الف) کودکانی که کارهایی علنی مثل فروختن فال، گل، و...

ب) اشتغال در کارگاه‌ها یا خانه‌ها به شکل سازمان یافته‌تر. همچنین قانون ایران کودکان زیر ۱۸ سال را در صورتی که متخلف شوند در قانون اصلاح و تربیت نگهداری می‌کنند. براساس این قانون میزان سن قانونی کار ۱۵ سال تمام است و کم‌تر از ۱۵ سال منع قانونی دارد. در آئین‌نامه اجرایی قانون حمایت از کودکان کار و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست که توسط هیئت وزیران در جلسه



کودک قهرمان (داستانک)

گردآورنده: بهاره پایدار

کودکی ده ساله که دست چپش به دلیل یک حادثه رانندگی از بازو قطع شده بود، برای تعلیم فنون رزمی جودو به یک استاد سپرده شد. پدر کودک اصرار داشت استاد از فرزندش یک قهرمان جودو بسازد! استاد پذیرفت و به پدر کودک قول داد که یک سال بعد می تواند فرزندش را در مقام قهرمانی کل باشگاه‌ها ببیند. در طول شش ماه استاد فقط روی بدن سازی کودک کار کرد و در عرض این شش ماه حتی یک فن جودو را به او تعلیم نداد. بعد از شش ماه خبر رسید که یک ماه بعد مسابقات محلی در شهر برگزار می شود. استاد به کودک ده ساله فقط یک فن آموزش داد و تا زمان برگزاری مسابقات فقط روی آن تک فن کار کرد. سر انجام مسابقات انجام شد و کودک توانست در میان اعجاب همگان، با آن تک فن همه حریفان خود را شکست دهد! سه ماه بعد کودک توانست در مسابقات بین باشگاه‌ها نیز با استفاده از همان تک فن برنده شود. وقتی مسابقات به پایان رسید، در راه بازگشت به منزل، کودک از استاد راز پیروزی اش را پرسید. استاد گفت: دلیل پیروزی تو این بود که اولاً به همان یک فن به خوبی مسلط بودی. دوماً تنها امیدت همان یک فن بود و سوم اینکه تنها راه شناخته شده برای مقابله با این فن، گرفتن دست چپ حریف بود، که تو چنین دستی نداشتی! یاد بگیریم که در زندگی، از نقاط ضعف خود به عنوان نقاط قوت استفاده کنیم!!



عکاس : می توانم ازت یک عکس بگیرم ؟

پسر : که چه بشود ؟

عکاس : که مردم ببینند با چه رفیعی برادرت را در این سرما بر کولت گذاشته ای.

پسر : می توانی به من کمک کنی ؟

عکاس : چه کمکی ؟

پسر : کمرم درد گرفته می توانی بجای عکس برادرم را تا خانه سوار کنی ؟

عکاس : شرمنده عجله دارم ...

راوی : لطفا به من کمی انسانیت قرض بدهید لازمش دارم می خواهم بروم به کمک این پسر !!

